

تدوین چارچوب مفهومی «باستان‌شناسی باغ»؛ کارکردها، روش‌ها و چالش‌ها

علی اسدپور*

چکیده

باغ، دارای ظرفیت‌های اجتماعی، زیباشناختی و هنری است و ترکیبی از عناصر ایستا و پویا بوده که حفاظت و احیای آن، با چالش‌های نظری، عملی و تکنیکی همراه است. «باستان‌شناسی باغ» به مثابه حرفه‌ای، زیرمجموعه فعالیت‌های باستان‌شناسی تلقی می‌شود که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در چند دهه اخیر، مرکز توجه پروژه‌های احیای باغ‌های تاریخی در کشورهای توسعه‌یافته بوده؛ با این حال در سطح ملی و تا حدی بین‌المللی، موضوع باستان‌شناسی باغ، مرکز توجه جدی متخصصان مرمت و معماری منظر نبوده و در منشورهای جهانی و پروژه‌های مرمتی داخلی، جایگاه شایسته خود را نیافته است. پرسش‌های کلیدی این نوشتار، به شناخت الف) جریان‌های تاریخی باستان‌شناسی باغ و تبیین افق‌های آینده آن، ب) گونه‌شناسی روش‌ها و تکنیک‌ها، ج) بازشناسی کارکردها و چالش‌های متعاقب آن معطوف هستند و هدف این پژوهش در نهایت، تدوین چارچوبی مفهومی از باستان‌شناسی باغ در تجربه احیای باغ‌های تاریخی و مقدمه‌ای بر کاربست آن در باغ ایرانی است. بدین منظور، از روش استدلال منطقی مبتنی بر تحلیل، طبقه‌بندی و نقد داده‌های مکتوب و کتابخانه‌ای بهره برده شده و در رویکردی استنتاجی، به نتایج منتهی خواهد شد. مدل مفهومی به‌دست آمده، در ۳ وجه شامل «کارکرد»، «روش» و «چالش» تدوین شده و نتایج، نشان‌دهنده حرکت از روش‌های مخرب در کاوش به سمت تکنیک‌های غیرمخرب (سنجش از دور، عکس‌برداری هوایی و مساحی ژئوفیزیکی) هستند. کارکردهای باستان‌شناسی باغ نیز تنوعی از «احیا» تا «تفسیر» را در بر داشته و نشان‌دهنده توجه به موضوعات «مردم‌شناسی» و مباحث میان‌رشته‌ای هستند. چالش‌های «اصالت‌یابی»، «تاریخ‌گذاری»، «تفسیر داده‌ها» و «تخصص‌گرایی» نیز در این زمینه قابل طرح بوده که ناشی از «روش‌های کاوش» و «رشته‌های درگیر» هستند. در نهایت، پیشنهادهایی برای استفاده از باستان‌شناسی باغ در کشور مبتنی بر چالش‌ها و فرصت‌ها ارائه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: باغ تاریخی، باستان گیاه‌شناسی، مرمت باغ، مدل‌سازی

مقدمه

باغ، حاصل تعامل پویای انسان با محیط طبیعی پیرامون خود و تبلور پیوند نزدیک تمدن و طبیعت و تصویری از بهشت آسمانی بر زمین است و به عنوان «مکانی نمادین، ظرفیت بازنمایی اجتماعی و زیباشناختی را توأمان دارد» (Verdi, 2004: 360). اما تقریباً در همین اواخر است که باستان‌شناسان، به باغ از منظر تولید غذا، قرارگاه و زمینه‌ای برای درک شیوه‌های زندگی و در کل، شاهدهی بر تلاش انسان در دگرگون کردن زمین از پیش موجود به شکل یک منظر پرداخته‌اند (Atkinson, 2001: 23). «باستان‌شناسی باغ»، کمکی به پروژه‌های حفاظتی کوچک‌مقیاس است و گهگاه ابزاری مهم در کارهای بزرگ و گسترده‌ی احیا به‌شمار می‌آید. باستان‌شناسان باغ، به مطالعه و ثبت منظر تاریخی باغ پیش از خلق آن با هدف شناخت محدودیت‌های تحمیل‌شده بر باغ و همچنین، بازشناسی آثار باقی‌مانده در منظر آن می‌پردازند (Thackray, 1997: 54).

با این حال در دو سطح ملی و بین‌المللی، موضوع باستان‌شناسی باغ تا همین اواخر، مرکز توجه جدی متخصصان مرمت و معماری منظر نبوده است. از نظر جهانی، در مهم‌ترین منشور باغ تاریخی موسوم به «منشور فلورانس» (۱۹۸۱) - با آن که در ماده ۱۵ آن از «حفاری» نام برده شده و یا در ماده ۲۴ خود از «متخصصان تعلیم‌دیده» همچون؛ تاریخ‌دانان، معماران، معماران منظر، باغبانان و گیاه‌شناسان نام می‌برد - نشانی از باستان‌شناسی و نامی از باستان‌شناسان دیده نمی‌شود (ICOMOS, 1981). البته در مقدمه این منشور اشاره شده که تنظیم آن، بر پایه روح منشور ونیز (۱۹۶۴) بوده و ضمیمه‌ای بر آن است. در ماده ۹ «منشور ونیز» که به موضوع «احیا» اختصاص دارد، تأکید شده است که هر گونه احیای یادمان‌ها یا سایت‌های تاریخی، باید مبتنی بر مطالعات باستان‌شناختی و تاریخی باشد. همچنین در ماده ۱۵ آن ذیل عنوان «کاوش‌ها»، نیز به رعایت استانداردهای یونسکو در کاوش‌های باستان‌شناسی (مصوب ۱۹۵۶) تأکید شده است (Ibid, 1964). با این همه، در «منشور باغ‌های تاریخی رم» (۲۰۰۳)، به صراحت به لزوم «تحقیقات باستان‌شناسی مستقیم، تحلیلی و تطبیقی» اشاره شده است (راسخی، ۱۳۹۲: ۲).

در سطح ملی نیز عمده تلاش متخصصان مرمت در احیای باغ‌های تاریخی، بر مرمت عمارت باغ معطوف بوده و طرح احیای باغ نیز با حفاری‌های ساده و پراکنده و الگوی از پیش موجود چهارباغ ایرانی، سامان یافته است. از سوی دیگر، در بسیاری از پروژه‌های کاوش باستان‌شناسی نیز موضوع باغ

کمتر مورد توجه هیئت‌های داخلی بوده است که در نتیجه آن، نشانی از یافتن باغی تاریخی در محوطه‌های باستان‌شناختی نمی‌توان به وضوح یافت. مسئله اساسی در این پژوهش، این است که عدم توجه به باستان‌شناسی در احیای باغ‌های تاریخی کشور، منجر به ایجاد تغییرات غیرمستند و گاه نابجا در باغ‌های تاریخی شده که نه تنها با روح منشورهای مرمتی منطبق نیست، بلکه داده‌های مستند موجود را نیز در پاره‌ای موارد مخدوش و یا حذف نموده است. به عنوان نمونه، در جریان احیای باغ جهان‌نما در شیراز، طرح باغ به شکل باغی با تقسیمات متعدد چهاربخشی در کرت‌های میانی تغییر داده شد که فاقد مستندات میدانی است؛ همچنین، تغییرات باغ دلگشا در همین شهر نیز در پی فقدان کاوش‌های باستان‌شناختی کافی، نتایج غیرقابل جبرانی داشته‌اند. هدف پژوهش حاضر، تبیین مفهوم «باستان‌شناسی باغ» و ابعاد تاریخی، مفهومی و روش‌شناختی آن است که می‌تواند برای تخصص‌های گوناگون مرتبط با باغ همچون؛ معماران منظر، مرمتگران، باستان‌شناسان و تاریخ‌دانان مهم و سودمند باشد؛ لذا، پرسش‌هایی از این دست قابل طرح هستند: الف) جریان‌های باستان‌شناسی باغ در تاریخ خود، چه مسیری را پیموده و افق‌های آتی آن چه مواردی هستند؟ ب) تحولات روش‌شناسی در باستان‌شناسی باغ چگونه بوده‌اند؟ ج) کارکردها و چالش‌های باستان‌شناسی باغ، واجد چه ابعاد و موضوعاتی هستند؟ د) نقش باستان‌شناسی باغ در احیای باغ‌های تاریخی ایران چیست؟

پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات مکتوب پژوهش در زمینه باستان‌شناسی باغ در زبان انگلیسی، نشان می‌دهد که مقالات و پژوهش‌های مناسبی در این باره منتشر شده‌اند که کثرت آنها چندان هم قابل توجه نیست و بیشتر آنها نیز به شرح اقدامات انجام‌شده پرداخته تا به خود موضوع باستان‌شناسی در باغ تاریخی معطوف باشند. از نخستین کوشش‌های منسجم در این خصوص، همایشی با عنوان "باستان‌شناسی باغ" در سال ۱۹۸۱ است که توسط جامعه تاریخ باغ^۱ و دانشگاه پرستول برگزار شد که به باستان‌شناسی میدانی توجه ویژه‌ای داشت (Jacques, 1997a: 4). در سال ۱۹۸۸، همایشی در نوف‌همپتون‌شایر برگزار شد که نتایج آن تحت عنوان "باستان‌شناسی باغ" در ۱۹۹۱ منتشر شدند (Ernest Brown, 1991). ۹ سال بعد در ۱۹۹۷ نیز مجموعه مقالات همایش ایکوموس و میراث انگلیسی منتشر شد (Jacques, 1997b). از مهم‌ترین کتاب‌های منتشرشده، "باستان‌شناسی باغ؛ کتاب راهنما" بوده که در سال ۲۰۰۵ توسط کریستوفر کوری نوشته شده؛ این کتاب،

ساخته شده به دست انسان» تعریف شده که یک شاهکار هنری است و به مثابه کاری فرهنگی، نوعی سرمایه هنری و بخشی از محیط زیستی دانسته شده که متعلق به عموم مردمی است که از آن بهره می‌برند (راسخی، ۱۳۹۲: ۵ و ۶). با این حال، دو واژه «باغ» و «تاریخ» نیازمند تعریفی جامع هستند که البته کار دشواری خواهد بود. باغ به طور عادی، به «یک ناحیه تعریف شده که برای فوایدی، گسترده شده» اطلاق می‌شود که در آن، «کاشت گیاهان، عملکرد غالب است و در مفهومی وسیع‌تر، شامل پارک‌های منظر و زمین‌های بازی و سرگرمی و گلخانه‌هایی که برای تفریح و آموزش ترتیب یافته‌اند» نیز است (Sales, 1995: 1). در مفهوم انگلیسی آن، هامفری رپتون^۳ معتقد است که باغ، «قطعه زمینی است که با نصب پرچین، از دسترس احشام در امان نگاه داشته شده و برای استفاده و تفریح انسان ساخته می‌شود»؛ از دید او، معمولاً باغ‌ها زیر کشت می‌روند (ترنر، ۱۳۹۵: ۱). واژه باغ و پارک تقریباً در تمام واژگان مورد استفاده در سایر زبان‌های زنده اروپایی^۵، با مفهوم محدود کردن فضای بیرون از خانه در ارتباط است؛ به عنوان مثال، در انگلیسی قدیمی، واژه «گیرد»^۶ به معنی پرچین بوده و در فرهنگ انگلیسی آمریکایی نیز از واژه باغ، برای نامیدن مکانی به موجب لذت بردن یاد می‌شود که با واژه «یارد»^۷ به معنی حیاط که نقش کاربردی دارد، متمایز است (Turner, 2005: 1). باغ در زبان فارسی، با معانی تکه، بخش، سهم و میراث قرین بوده که از مصدر بگ (بخش کردن) مشتق شده است (منصوری، ۱۳۸۸: ۱۹) و در روزگار باستان، از واژگان دیگری همچون پردیس (به معنی پروند و پروست، باغ، درخت کاری و گل کاری پیرامون بنا) و رَز (به معنی تاکستان) نیز استفاده می‌شده است (مسعود و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷). بدین ترتیب، ترکیب یا تلفیق ساختارهای طبیعی و انسان‌ساخت، ماهیت اصلی باغ را شکل می‌دهند. جان سیلر، باغ را ترکیب ۳ مؤلفه می‌داند؛ الف) بناها و شکل زمین که نسبتاً بدون تغییر و قابل پیش‌بینی هستند، ب) عوامل محیطی همچون خاک، ارتفاع از سطح دریا و اقلیم و ج) گونه‌های مختلف گیاهان که نه تنها قابل پیش‌بینی نبوده بلکه پویا هستند؛ چرا که دارای رشد و میرایی بوده و تحت تأثیر حوادث، آفات و بیماری‌ها هستند (Sales, 1995: 1-2). این عوامل نزد تام ترنر، شامل ۶ مؤلفه ساختاری است که به ترتیب؛ شکل زمین، آب، سازه‌های عمودی (بناها و ساخته‌های کالبدی)، سازه‌های افقی (راه‌ها و مسیرها)، پوشش‌های گیاهی و اقلیم هستند (2005: 3). دو نهاد ایکوموس و ایفلا^۸ نیز ترکیب معماری باغ تاریخی را شامل؛ الف) طرح و توپوگرافی و ب) گیاهان (شامل گونه‌ها، ابعاد و تناسبات،

تحوالات موضوع را با تأکید بر توسعه‌های ۲۰ سال گذشته مورد کاوش قرار داده است. فصول آن، به تاریخ، تکنیک‌ها و بررسی نمونه‌های موردی متعددی در بریتانیا اختصاص دارد (C. Currie, 2005). ماهیت این کتاب به نحوی تنظیم شده که به جغرافیای بریتانیا محدود شود. از جدیدترین کتاب‌های دیگر در این حیطه، "مرجع باستان‌شناسی باغ: روش‌ها، تکنیک‌ها، تفاسیر و نمونه‌ها" بوده که توسط آمینا-آرچا مالک در سال ۲۰۱۳ نوشته شده است. این کتاب که برای باستان‌شناسان حرفه‌ای اما کم‌تجربه در کاوش باغ نوشته شده، اطلاعات و نقدهای فراوانی راجع به روش‌ها و شیوه‌های تحلیل دارد که می‌تواند برای دیگر متخصصان نیز مفید باشد (Malek, 2013). هدف این کتاب، بیشتر راهنمایی برای کار میدانی و مبنایی برای عمل است. پژوهش حاضر بر خلاف کتاب‌ها و همایش‌های یادشده، به ارائه مدلی پرداخته که می‌کوشد ضمن ایجاد تصویری کلی از موضوع، به رونق باستان‌شناسی باغ در ایران نیز کمکی هر چند اندک نماید. این نوشتار از این نظر که به ارائه مدلی از مفهوم باستان‌شناسی باغ و شناسایی افق‌ها و چالش‌های پیش روی آن می‌پردازد، نوآورانه است و می‌تواند برای متخصصان معماری، مرمت و معماری منظر کشور مفید باشد. از طرفی، کاربرست باستان‌شناسی باغ در احیا و مرمت باغ‌های تاریخی ایران نیز می‌تواند از مدل پیشنهادی این پژوهش بهره گیرد.

روش پژوهش

روش پژوهش کنونی، «استدلال منطقی» است. این راهبرد، «نوعی نظم منطقی در مطالب پراکنده قبلی» ایجاد کرده و با این هدف تدوین می‌شود که «به خودی خود کامل بوده و مقصود اصلی آن، صورت‌بندی سامانه‌های منطقی ذهنی است» (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۳۰۱ و ۳۰۲)؛ به همین سبب، داده‌ها از منابع مکتوب یا کتابخانه‌ای اخذ شده‌اند و مبتنی بر هدف و پرسش‌های پژوهش، مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرار گرفته تا در رویکردی استنتاجی، به نتایج مورد نظر منتهی شوند. بنابراین، از تحلیل، تفسیر و استدلال در جای خود استفاده شده است.

مفهوم باغ تاریخی؛ نسبت باغ با تاریخ

م‌نشور فلورانس (۱۹۸۱)، باغ تاریخی را «ترکیب معماری و باغبانی و از نظر تاریخی و هنری، مورد توجه عموم مردم» معرفی می‌کند که باید به عنوان یک «یادمان»^۲ از آن یاد کرد (ICOMOS, 1981). در «منشور باغ‌های تاریخی رم» (۲۰۰۳) نیز باغ تاریخی، «مجموعه‌ای طراحی و

رنگ‌بندی، فواصل آنها از یکدیگر و ارتفاع آنها) می‌دانند (ICOMOS, 1981: 1).

نگاه سیلز به اجزای باغ، ناشی از دیدگاهی «فرآیند» محور به حیات باغ است که شکل‌گیری، تداوم، تحول و میرایی آن را در نظر دارد و به باغ همچون یک شیء نمی‌نگرد. بر خلاف آثار برجای مانده از معماری که نسبتاً ایستا بوده، منظر و باغ، پدیده‌هایی دستخوش تغییر هستند؛ فرسایش و بی‌توجهی، آثار برجای مانده از گذشته را دگرگون کرده و رشد گیاهان، ظاهر منظر باغ را تغییر می‌دهند. به همین جهت، می‌توان گفت که «باغ تاریخی، ترکیبی معمارانه است که مصالح اصلی آن گیاهی بوده و بنابراین زنده است و این بدان معنا بوده که آسیب‌پذیر و تجدیدپذیر است» (Sales, 1995: 1) و با تغییر فصول و شرایط آب و هوایی، دستخوش دگرگونی می‌شود. تغییر و تحول در باغ، مفهوم زمان و متعاقب آن، تاریخ را در مرکز توجه قرار می‌دهد. «تاریخ، اصطلاحی نسبی است و هر آنچه که معاصر نباشد، واجد حدی از تاریخی بودن است» (Ibid)، اما ارزش تاریخی، موضوع دیگری است. معیارهای شناخت ارزش تاریخی، به «قدمت و نادر بودن»، «کیفیت هنری» و «ارزش فرهنگی» بستگی داشته که با اصطلاح مبهم «ارزش میراثی»، هم‌راستا ولی با آن متفاوت هستند؛ ارزش میراثی، اصطلاحی است که استفاده از آن به شدت در حال فراگیر شدن بوده و با کیفیت‌های تاریخی، فرهنگی و هنری مرتبط است (Ibid: 2-3). میراث در بیان لغوی خود، به معنای ارثیه‌ای است که از گذشتگان به باشندگان رسیده باشد و حامل ساختارهای زمانی و مکانی دوران گذشته بوده و به لحاظ محتوایی، با مفاهیمی همچون کهنه، قدیمی، یادگاری، بدون مصرف و مانند آن مترادف است و عمدتاً نقشی خاطره‌ای و گنجینه‌ای دارد که در آینده‌ای نه‌چندان دور، از خاطره محو شده و جنبه تزئینی می‌یابد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۹). اما باغ تاریخی، در توافقی دائمی میان حرکت فصول و رشد و انحطاط طبیعت از یک‌سو و تلاش هنرمندان و پیشه‌وران برای حفظ همیشگی آن در شرایطی بدون دگرگونی از سوی دیگر، در نوسان است (ICOMOS, 1981)؛ به همین جهت، حفظ تعادل اکولوژیکی، استمرار پیام فرهنگی و تداوم استفاده مناسب و متناسب از باغ تاریخی، امری ضروری است.

انواع باغ‌های تاریخی در منشور باغ‌های تاریخی رم، شامل باغ‌های مسکونی، باغ کاخ‌ها، باغ ویلاها، باغچه‌های پرورش گیاهان، فضاهای باستان‌شناسی، فضاهای سبز موجود در بافت‌های قدیمی شهرها و مانند آن هستند (راسخی، ۱۳۹۲: ۱) و از نظر مقیاس می‌توانند شامل باغ‌های کوچک تا پارک‌های

بزرگ بوده و از محیط پیرامون خود چه شهری و روستایی و چه انسان‌ساخت و طبیعی، غیرقابل تفکیک هستند (ICOMOS, 1981). همچنین می‌توان آنها را بر اساس اهمیت تاریخی یا زیباشناختی خود در سطوح «بین‌المللی»، «ملی»، «منطقه‌ای» و «محلی» طبقه‌بندی نمود (Fricker, 1975: 411). اما آنچه در منشورهای جهانی و به‌ویژه در منشور فلورانس متضمن قرارگیری یک باغ در فهرست باغ‌های تاریخی است، «موجود بودن» آن بوده، به عبارتی، خلق مجدد یک باغ صرفاً بر اساس حدس و گمان و بدون شواهد قابل مشاهده عینی نمی‌تواند باغ تاریخی خوانده شود (Bourke, 1983: 50).

حفاظت و احیای باغ تاریخی

مدیریت و حفاظت از باغ‌های تاریخی، از آثار معماری دشوارتر است. از آنجا که باغ‌ها شامل عناصر زنده بوده، نمی‌توانند همچون ساختمان‌ها، آثار هنری و مانند آن محافظت شوند و همواره مشکلات نگهداری و مدیریت باغ و زمین پیش رو است؛ پس باغ نمی‌تواند ایستا و منجمد به مثابه مثالی از یک دوره تاریخی تلقی شود. لذا «ایده»‌ای که هر باغ بر اساس آن شکل یافته، باید درک شده، محترم شمرده شده، تفسیر شده و از نو بروز داده شود. کلارک معتقد است که ایده‌ها جاودان هستند و تنها واقعیت موجودی بوده که می‌توانند شامل مفاهیمی از قبیل: «تناسبات ریاضی»، «مفاهیم شاعرانه»، «اصول متافیزیکی» و «حقایق نظری» باشند (4: 1969). در چنین سیالیت و دگرگونی مستمر در شرایط محیطی که یک باغ تاریخی با آن روبرو است، مفهوم «احیا»^۹ که به معنای تعمیر سازه‌ای یک ساختار بوده، تنها می‌تواند برای بهسازی^{۱۰} شیئی به کار رود که در قید حیات است. اصطلاح «محافظت»^{۱۱} نیز به‌ندرت عاقلانه است؛ مگر برای آثار کالبدی [برجای مانده از باغ‌ها. در نتیجه آنچه که در عمل احیای باغ خوانده می‌شود، در واقع نوعی «بازسازی»^{۱۲} است (Sales, 1995: 1). گراهام استوارت توماس^{۱۳} بر این باور است که در باغ تاریخی، محافظت در برابر انسان و طبیعت مطرح است؛ طبیعت دارای دو سلاح علف‌های هرز و زوال بوده و از آنجا که باغ در هیچ زمانی در برنامه کاشت خود، بی‌کاستی نیست، پس هیچ‌گاه نمی‌توان گفت که این هنر که همه اجزای آن با هم ترکیب نموده، به‌طور کامل در کنترل باشد و این بدان معنا است که باغ به معنی دقیق کلمه نمی‌تواند «محافظت» شود (Thomas et al, 1980: 276).

اصطلاح دیگر در این حوزه، «حفاظت»^{۱۴} است که در منشور بورا^{۱۵}، به تمام فرآیند جستجوی یک مکان برای بازیابی اهمیت و عانی فرهنگی آن اطلاق می‌شود (Bourke, 1983: 50) و

حفاظت نموده و در صورت امکان لایه جدیدی بر آن بیفزاید (Turner, 2017). جلیلیکو معتقد بود که باغ‌سازی تاریخی در انگلستان دارای لایه‌هایی بوده و هر باغ، تلفیقی از دوره‌های مختلف است که نمی‌توان یک دوره را بر دیگری رجحان بخشید. وی که تحت تأثیر فلسفه وحدت زمان و مکان جان دوی^{۲۱} بود، باغ را اثری هنری می‌دانست که نه به حاصل کار پایان یافته، بلکه به فرآیند طی شده قابل اطلاق است (Thomas et al, 1980: 284).

تاریخ باستان‌شناسی باغ و تحولات آن

احتمالاً نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی باغ به مفهوم مدرن آن در ویلای هادریان^{۲۲} در نزدیکی شهر رم و توسط دولت ایتالیا، به سال ۱۸۷۰ میلادی انجام شده است (Jacques, 1997a: 3). در ایتالیا، باستان‌شناسی، نقش مهمی در احیای باغ‌های تاریخی داشته است. در این میان، گیاکومو بونی^{۲۳} که هدایت کاوش‌ها را در فروم رم از ۱۸۹۸ تا ۱۹۲۵ بر عهده داشت، از پیشگامان است. وی نخستین کسی است که روش‌های مدرن حفاری را معرفی نمود و مهم‌تر از آن، بر کاشت درختان، گیاهان و بوته‌ها در شهرها و باغ‌های رمی اصرار داشت. وی در ۱۹۱۲، بر حفظ گیاهان یادمانی هر کشور تأکید کرد و با کاشت مخلوطی از گیاهان بیگانه و نامربوط برای هر سایتی، مخالف بود (Masson, 1975: 45). فعالیت‌های باستان‌شناسی در پُمپی^{۲۴} از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۳ با احیای مجسمه‌ها، آلاچیق‌ها و آب‌نماها توانسته یک باغ «دور ستونی» را به عموم مردم معرفی کنند (Jacques, 1997a: 3). سنجش اصالت گیاهان برای کاشت مجدد در باغ، با ابزاری هوشمندانه میسر شد و آن، ریختن گچ مایع در شکاف‌های برجای مانده در زمین بود که از بقایای ریشه‌های درختان و گیاهان بزرگ باغ ایجاد شده که در طی زمان سوخته یا به خاک بدل شده بودند. بررسی گچ قالب‌گیری شده، گیاه‌شناسان را قادر ساخت تا با مطالعه ساختار ریشه‌ها، به نوع آن پی ببرند (Masson, 1975: 45). در همین دوران در مصر نیز مانند دیگر نقاط جهان، حفاری‌های باغ به دست کارگران غیرماهر و با هدف کشف پی‌ها و اشیای سنگین، در دست انجام بودند (Jacques, 1997a: 3). این کاوش‌ها نشان دادند که باغ‌های مصر باستان، اغلب با دیوارهای ساده نقاشی یا کاشی‌کاری شده محصور بوده و با طرح‌های رسمی هندسی سامان می‌یافتند (Wilkinson, 1994: 9).

در بریتانیا احتمالاً کشف، ثبت و تحلیل سایت‌های باستان‌شناسی و بدون حفاری، کهن‌ترین شکل مطالعه باستان‌شناختی است که به قرن ۱۶ میلادی باز می‌گردد.

به معنی «حفظ و نگهداری یک اثر در شکل اولیه خود است؛ به گونه‌ای که اثر بتواند به نیازهای امروزی پاسخ‌گو باشد و یا این که با تغییراتی چند در شکل طبیعی، به حیات خود ادامه دهد... که معمولاً برای جلوگیری از فرسایش طبیعی و یا انسان‌ساخت صورت می‌گیرد» (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۲۰). از نگاه سازمان میراث انگلستان، حفاظت، «فرآیند مدیریت تغییرات یک مکان خاص در زمینه‌اش با استفاده از روش‌هایی که ارزش‌های میراثی آن در بهترین شکل پایدار بماند؛ در حالی که ظرفیت‌های آشکارسازی یا تقویت آن ارزش‌ها را برای نسل حاضر و آینده شناسایی می‌نماید» تعریف شده است (Sales, 2009: 218). در منشور فلورانس نیز موضوع «نگهداری»^{۲۵} و حفاظت و همچنین «احیا و بازسازی»، به صورت زوج‌هایی توأمان مورد استفاده بوده که نشان‌دهنده پیوندهای درونی و مفهومی آنها نیز با یکدیگر هستند؛ به عنوان مثال، این منشور در ماده‌های ۱۰ تا ۱۴ خود، به نگهداری پیوسته از باغ تاریخی و حفاظت از گونه‌های گیاهی بومی (با جایگزینی سریع گیاهان در صورت لزوم و برنامه‌های درازمدت و دوره‌ای برای نو شدن گونه‌ها) اشاره می‌نماید (ICOMOS, 1981). همان‌طور که گفته شد، «احیا» واژه‌ای بوده که از آن استفاده‌های نابجایی شده است. تام ترنر با ارائه مثال‌هایی نشان می‌دهد که چگونه مفهوم ساده و بی‌آلایش این واژه به معنی «بازگشت به شرایط پیشین»، جای خود را به اقدامات مداخله‌ای متعدد و بدون بررسی داده است. وی، سیاست‌های حفاظت از باغ‌های تاریخی را تا کنون در ۴ بخش کلی تقسیم نموده است: ۱. حفاظت (در برخی مواقع حفظ یک ساختار تاریخی در شرایط کنونی خود صحیح است؛ به عنوان مثال برای سازه‌های باغ، اما این کار برای گیاهان درست نیست)، ۲. احیا (گاهی اوقات احیای باغ به مفهوم واقعی کلمه به معنی بازگرداندن آن به وضعیتی که در یک تاریخ مشخص داشته، کار درستی است. این کار، با شواهد باستان‌شناسی، طراحی‌ها، اسناد املاک، تصاویر، وصف جهانگردان و دیگر اطلاعات میسر است)، ۳. خلق مجدد^{۲۶} (این اصطلاح نخستین بار توسط دکتر سیلویا لندزبرگ^{۲۸} برای خلق باغ‌های قرون وسطی به کار رفت و هنگامی به کار می‌رود که هیچ سندی از باغ در آن مکان مشخص موجود نباشد؛ به همین سبب، استفاده از اصطلاح «احیا» برای باغ‌های قرون وسطی نادرست بوده؛ هر چند اطلاعات فراوانی از باغبانی قرون وسطی در دسترس است)، ۴. حفاظت خلاق^{۲۹} (این اصطلاح توسط سِر جفری جلیلیکو^{۳۰} وضع شده و به معنی استفاده از لایه‌های تاریخی متعدد در راه‌یابی به سیاستی است که سنتزی خلاق میان آنها ایجاد می‌نماید تا بتواند بهترین‌ها را در هر لایه

استفاده از باستان‌شناسی باغ در آمریکا، به دلیل توان مالی آنها، رونق بیشتری نسبت به بریتانیای هم‌عصر خود داشت؛ در ویلیامزبورگ^{۳۳} (ایالت ویرجینیا) در ۱۹۳۰-۱۹۳۱، معمار منظر آرتور شارکلیف^{۳۴}، تدبیری برای برنامه‌ریزی مجدد و کاشت دوباره گیاهان در باغ‌های پیرامون سکونتگاه دولتی اندیشید که مورد حمایت کلوپ باغ‌های ویرجینیا واقع شد (Ibid:3). از اواخر دهه ۱۹۵۰، باستان‌شناسان حرفه‌ای برای کاوش‌های این منطقه استخدام شدند... با این حال، یافتن باغ‌ها با توجه به تراکم بافت شهر، تنها از طریق کاوش مسیرها، فنس‌ها، بستر کاشت و بررسی لایه‌های زیرین خاک سطحی در اوایل دهه ۱۹۸۰، ممکن شد (R. Brown III et al, 1997: 73). در دو دهه اخیر، معماران منظر و باستان‌شناسان تاریخی در ایالات متحده، اهداف مشترکی را برای تفسیر باغ‌های مستعمراتی تعریف کرده و بیشتر باستان‌شناسان، مطالعات منظر را جزئی از برنامه احیا قرار داده‌اند؛ در این میان، نظام کاشت و طرح باغ‌های ایالتی نخبگان سیاسی عصر استعمار در جنوب و در چسپایک^{۳۵}، توجه بیشتری را به خود جلب نموده است (Baughner et al, 2002: 68). در همین اواخر، «باستان‌شناسی تاریخی» در آمریکا، از مفهوم بررسی پراکندگی فرهنگ اروپایی در جهان از قرن ۱۵ میلادی و تأثیر آن بر مردم بومی، خود را رها کرده و به عنوان توسعه‌ای در کارهای تاریخ‌دانان و مردم‌شناسان مطرح شده است (Deetz, 1988: 362). این موضوع، باستان‌شناسی باغ را نیز در آنجا با رویکردهای مردم‌شناسی، پیوند نزدیکی داده است (شکل ۲).

در افغانستان، باستان‌شناسی میدانی ساده‌ای در ناحیه‌ای در شمال شرقی هرات بین باغ نظرگاه و مقبره گازرگاه به سال ۱۹۷۷، باغ مطابق زیگوراتی شکلی با رمپ‌ها، سطوح استخر و گل کاری کشف نمود که نمونه‌ای از باغ‌های یادمانی تیمور در خارج از هرات است (Ball, 1981). در هند نیز باغ لوتوس از دوره بابر (شکل ۳)، به مثابه یکی از نخستین تأثیرات باغ‌سازی تیموری بر هند دوران گورکانی، با کاوش‌های سال ۱۹۸۶

هر چند نخستین پروژه‌های احیای باغ در بریتانیا، به سال ۱۸۱۰ در کامبریا و باغ لیونزهاال^{۳۵} (باغی از اواخر قرن ۱۷ میلادی) باز می‌گردد (Sales, 1995: 2)، اما عناصر پیش از تاریخ و روزگار رمی‌ها، مرکز توجه باستان‌شناسان اولیه بریتانیایی بوده و به جز قلعه‌ها، دیگر موضوعات تا دهه ۱۹۵۰ مورد توجه نبودند. باغ نیز به شیوه کنونی مطالعه نمی‌شد؛ چرا که پژوهشگران قائل نبوده باغ‌های متروکه می‌توانند به حیات خود ادامه داده و قابل تحلیل باستان‌شناختی باشند (Taylor, 1997: 18). البته در سال ۱۸۹۵، تاریخ‌دانان باغ دریافته بودند که باغ‌های موجود توانسته شامل چیدمان‌های اولیه‌ای نیز باشند و در ۱۹۰۸ یک باستان‌شناس توانست بازمانده باغی را شناسایی نماید. از دهه ۱۹۲۰، بقایای باغ‌های برجسته، جسته و گریخته توسط کمیسیون سلطنتی یادمان‌های تاریخی و باستانی اسکاتلند و انگلستان^{۳۶} ثبت شدند و در دهه ۱۹۶۰، شمار فراوانی از باغ‌های متروکه شناسایی شده که هم‌اینک سایت‌های باستان‌شناسی شاخصی هستند (Ibid). اما نخستین کسی که در بریتانیا از تکنیک‌های باستان‌شناسی به‌طور جدی در کاوش باغ استفاده نمود، جرج چتل^{۳۷} در کیربی‌هاال^{۳۸} (نورف هم‌تون‌شایر) (شکل ۱) و در حد فاصل دو جنگ جهانی بود (Sales, 1995: 4). با همه این اوصاف، عصر طلایی احیای باغ‌های بریتانیایی، اوایل دهه ۱۹۸۰ است؛ باستان‌شناسی میدانی در پینس‌هیل^{۳۹} در ۱۹۸۲، با کاوش برخی ساختمان‌های باغ تکمیل شد و در ۱۹۸۵، لایه‌های خاک باغ بررسی شدند که این کار، سرآغازی بر رشد انتظارات از باستان‌شناسی باغ بود (Jacques, 1997a: 4). در آلمان از ۱۹۷۰، کاوش‌ها برای کشف مسیرهای داخلی باغ‌ها آغاز شده بودند و در هلند در آغاز دهه ۱۹۸۰، ثبت عناصر باغی متعلق به دهه ۱۶۸۰ در جریان احیای آن، مورد توجه بود. در اتریش، حفاری وسیعی در باغ اسکلوپهوف^{۴۰} در سال ۱۹۹۱ آغاز شد، ولی تا پیش از دعوت از برایان دیکس^{۴۱} برای کاوش در والری^{۴۲} به سال ۱۹۹۶، چندان از باستان‌شناسی باغ در فرانسه استفاده قابل توجهی نشده است (Ibid: 6).



شکل ۱. باغ کیربی‌هاال در انگلستان؛ چپ: پیش از کاوش و راست: بازسازی طرح اصلی (Brian Dix, 1997: 12)

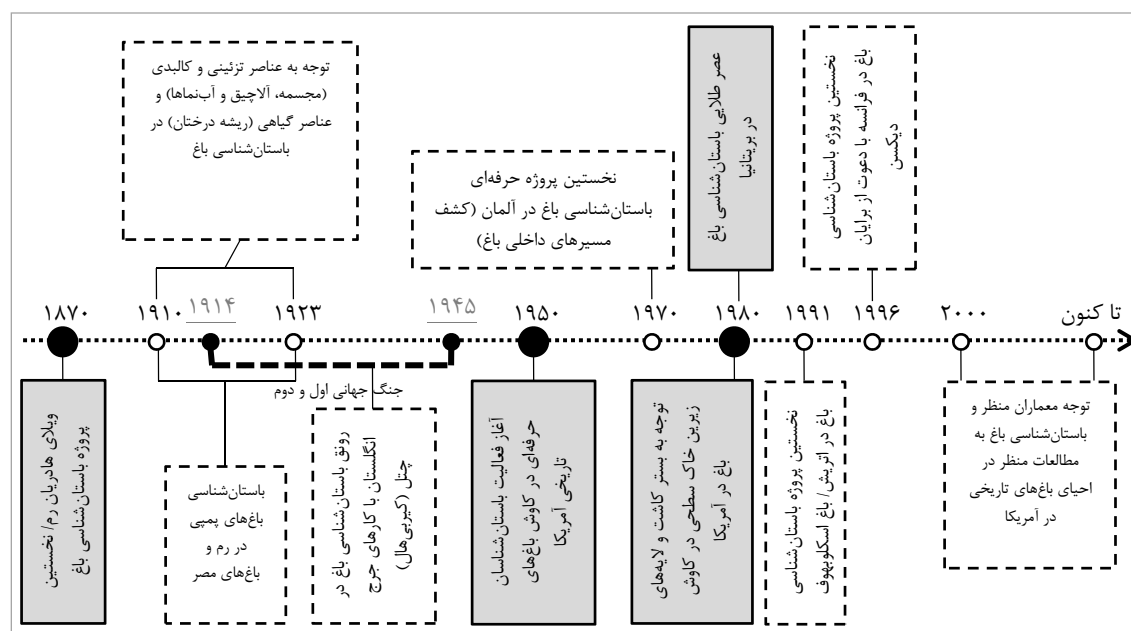
شرقی - غربی، حوضی با پلان شمسه، حمام و سامانه انتقال آب و پاره‌ای از تزئینات آجری، کاشی‌های رنگین و آرایه‌های سنگی، کشف شده که در بازشناسی منظر و معماری باغ در کنار دیگر اسناد تصویری و نوشتاری به کار آمدند (رضازاده و حیدرتاج، ۱۳۹۶: ۲۱۴ و ۲۱۵). نیاز به مطالعات میدانی باستان‌شناختی در برخی پژوهش‌ها ذکر شده است؛ به عنوان نمونه، در بررسی نقش عناصر منظر در باغ بحرالارم بابل، نیاز به کاوش‌های باستان‌شناسی در شناسایی انواع سیستم‌های آبی ساکن و جاری مورد تأکید بوده است (حیدرتاج، ۱۳۹۶: ۱۸) و یا در گزارشی علمی در خصوص چشم‌انداز طرح کاشت در مرمت باغ فین کاشان، هر چند به فقدان درختان مثمر اشاره شده، اما تأکید بر منابع مکتوب، جای مطالعات میدانی برای یافتن داده‌های باستان‌شناختی را گرفته است (جیحانی، ۱۳۹۶).

تحولات روش‌شناسی در باستان‌شناسی باغ

هدف از تکنیک‌های باستان‌شناسی در باغ باید در گام نخست، فراهم آوردن طرح احیا باشد که بدون سنجش اصالت اقدامات ممکن نیست؛ با این حال، بنیاد استانداردهای پژوهش و سنجش اصالت در احیای باغ به همین اواخر باز می‌گردد. بعد از جنگ جهانی دوم، توجه بیشتری به چینه‌شناسی معطوف شد، حفاری‌ها به تنوع خاک توجه بیشتری نشان دادند و ظرفیت «باستان‌شناسی میدانی»، «تکنیک‌های غیرمخرب»^{۳۷}، «باستان‌شناسی محیطی»^{۳۸} و کاوش‌های دقیق‌تر مورد توجه قرار گرفته؛ چاله‌های کاشت درختان، بستر کاشت گیاهان

بازیابی و احیا شد (Moynihan, 1988). در پاکستان، طرح اولیه باغ واه^{۳۹} که از باغ‌های عصر مغولان هند است، با کاوش‌ها و مطالعات میدانی سال ۱۹۹۳-۱۹۹۲ بازیابی شد. در این کاوش‌ها، آب‌گذرها، کرت‌بندی‌ها و مخازن ذخیره آب کشف شدند (Khan, 1996).

در ایران، نخستین تلاش باستان‌شناختی معاصر در بازیابی باغی تاریخی، به کاوش‌های استروناخ در باغ‌های سلطنتی پاسارگاد باز می‌گردد. وی با کشف آب‌گذرهای سنگی در مجموعه و تحلیل هندسه و زاویه کاخ‌ها، طرح اولیه باغ درونی مجموعه را حدس زده بود که به مبنایی برای تاریخ‌گذاری باغ ایرانی بدل شد (استروناخ، ۱۳۷۲: ۶۰). از آن پس، تجربه قابل توجهی که در جریان بازیابی و احیای یک باغ تاریخی، از باستان‌شناسی به‌طور جدی کمک گرفته شده باشد، دست کم تا کنون گزارش نشده یا در آرشو سازمان میراث فرهنگی محفوظ مانده و منتشر نشده است. با این همه، مجموعه مقالات و پژوهش‌های اندکی در این زمینه وجود داشته؛ بخشی از این مطالعات، به بازیابی ساختارهای فیزیکی در سامانه‌های آب‌رسانی باغ اختصاص دارند. لبه‌ها و زیرسازی کف استخر غربی باغ چهل‌ستون اصفهان در گمانه‌زنی‌های سال ۱۳۸۴، به‌عنوان نخستین بخش ورود آب به باغ به‌دست آمده است (زارعی و سلطان‌مرادی، ۱۳۹۶: ۵۰)؛ افزون بر این، حوضی شش‌پر مربوط به افزوده‌های قاجاری و شترگلوهای انتقال آب نیز در همین باغ کشف شدند (همان: ۵۱ و ۵۲). در کاوش‌های اخیر در باغ جهان‌نمای فرح‌آباد ساری، قسمت‌های شمالی باغ (اندرونی)، کلیات عمارت اصلی، آبراهه و کف‌پوش آجری محور



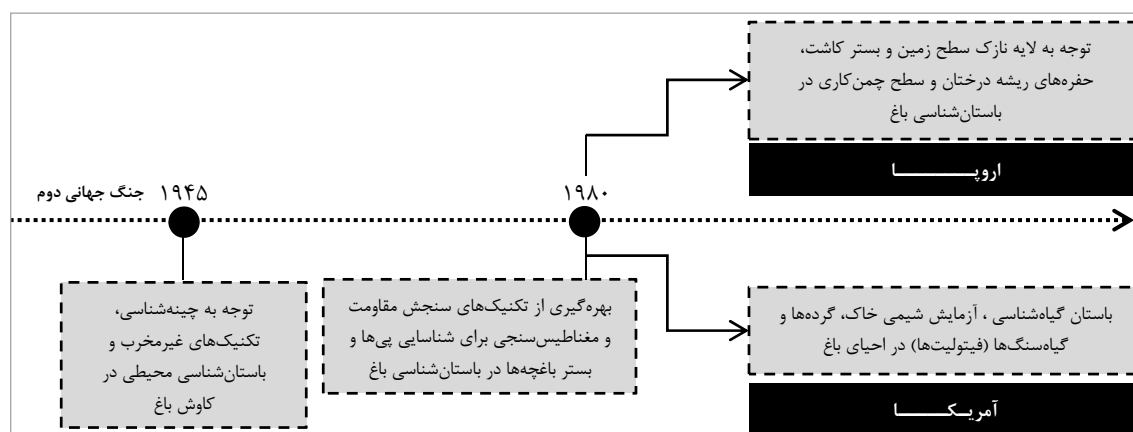
شکل ۲. سیر تاریخی تحول در باستان‌شناسی باغ در اروپا و آمریکا (نگارنده)

و بستر پرچین‌ها کشف شدند. این اطلاعات محیطی با «بوم داده‌ها»^{۳۹}، در لایه‌ها، اجزا و رسوبات باغبانی وجود دارند. با این حال، تجربه «باستان گیاه‌شناسی» تا پیش از کار ویلهلمینا جاشمسی^{۴۰} در پُمپی برای بازشناسی گیاهان بر اساس بررسی قالب ساختار ریشه‌ها تا آن زمان مورد استفاده نبود (Brewster, 2001: 97; Jacques, 1997a: 3; 6; R.). Brown III et al, 1997: 73). در اوایل دهه ۱۹۸۰، تمرکز بر لایه‌های نازک نزدیک به سطح زمین مانند بستر کاشت، حفره‌های ریشه درختان، مسیرها و لبه‌های آنها معطوف شد؛ یعنی جایی که سطوح چمن کاری بدون آشفتگی برای قرن‌ها در



شکل ۳. آبراهه باغ لوتوس در هند (Moynihan, 1988: 141)

سطح ۵۰۰ میلی‌متری زمین، اطلاعاتی غنی را در خود ذخیره کرده بودند. آزمایش سنجش مقاومت و مغناطیس‌سنجی، برای شناسایی پی‌ها و بستر باغچه‌ها استفاده شده و نشان دادند که ترکیب این روش‌های غیرمخرب با اطلاعات تاریخی، اسناد و حفاری‌های محدود، می‌تواند به درک جزئیات باغ بدون حفاری‌های وسیع منتج شود (Jacques, 1997a: 6-7). باستان‌شناسان آمریکایی در همین دهه، به آزمایش شیمی خاک، گرده‌ها، گیاه‌سنگ‌ها (فیتولیت‌ها) و دانه‌ها پرداختند. در این دوران، باستان گیاه‌شناسی توانایی خود را در مطالعات منظر نشان داده، ولی به‌ندرت اطلاعاتی کافی برای احیای باغ فراهم آورده بود (Ibid: 7). در باستان‌شناسی منظر، ساختار سکونتگاه‌ها و باغ‌های آنها در مقیاسی بزرگ مطرح بوده و از روش‌های سنجش از دور، ترانسه‌زنی، خاکبرداری‌های سنگین، نمونه‌برداری رسوبات و حفاری‌های عمودی و افقی و تحلیل‌های گیاه‌شناسی استفاده می‌شود (Atkinson, 2001: 24). البته برخی اوقات، اجزای طبیعی باعث سردرگمی می‌شوند (Taylor, 1997: 20). مادامی که اطلاعات گیاه‌شناسی ناقص بوده، اغلب با اجزای کودهای گیاهی سایت قاطی می‌شوند (Brian Dix, 2011: 152). از طرف دیگر، خاک، مناسب‌ترین بستر برای مراقبت از گرده‌ها و دانه‌ها نیست؛ تنها گونه‌های خاصی از خاک توان حفاظت از گرده‌ها را داشته، چرا که گرده‌ها بیشتر در خاک‌های اسیدی و مرطوب دوام می‌آورند (Currie et al, 1991: 89)؛ از این‌رو، گیاه‌سنگ‌ها (فیتولیت‌ها) برای شناسایی الگوی کشت پیشین مناسب هستند، هر چند به‌ندرت می‌توان گونه خاص پیشین را مشخص کرد و اغلب اوقات، بازشناسی خانواده گیاهی میسر است. از این‌رو، گیاه‌سنگ‌ها می‌توانند به بازشناسی گیاهان در شرایط بوم‌شناختی متغیر و فعالیت‌های انسانی سایت کمک کنند (Atkinson, 2001: 25) (شکل ۴).



شکل ۴. سیر تحول در روش‌های باستان‌شناسی باغ در اروپا و آمریکا (نگارنده)

(Currie et al, 1991: 81). چاله‌ها و توده‌های ناشی از مسیرها و خندق‌های پیشین می‌توانند اجزای اولیه باغ را نشان داده؛ در حالی که شیب‌ها و فرورفتگی‌های اندک، نمایانگر امتداد دیوارها و مسیرهای فرونشسته هستند... بررسی‌های میدانی شامل مساحی توپوگرافی، مسیرهای دسترسی، مرزها و دیگر اجزای مصنوع باغ هستند (Brian Dix, 2014: 151).

• مطالعه گیاهان، بقایای نظام کاشت و حیات جانوری: نمونه‌گیری و تحلیل رشد درختان کهن سایت یا «درخت گاه‌شماری»^۴، برای بازشناسی گیاهان و درختانی که به نظام تاریخی کاشت باغ مربوط هستند و کلی‌تر از آن، بررسی شخصیت گیاهان و چتر درختان، باید انجام شوند. گونه، شکل و ساختار شاخه‌های درختان موجود می‌توانند معرف کاربری پیشین باغ باشند. داده‌های مربوط به نظام کاشت نیز می‌توانند معرف شیوه کشت باشند که با بررسی دانه‌ها و ساختار ریشه آنها قابل پیشنهاد است (شکل ۶). گوناگونی پوشش‌های گیاهی سطحی می‌توانند دال بر تقسیمات پیشین باغ باشند (Ibid). نقشه‌نگاری دقیق وضع موجود گیاهان و پوشش‌های گیاهان سطحی، نقش مهمی در بازیابی باغ داشته و می‌توانند شامل آزمایش خاک نیز باشند که عوامل متعددی را در بر دارد؛ مانند تحلیل اندازه ذرات (معرف منشأ طبیعی یا انسانی خاک)، آزمایش pH خاک (معرف ماهیت خاک باغ در عمق‌های متعدد و نمایانگر افزودنی‌ها به خاک برای تقویت آن مانند انواع کامپوزیت‌ها و آهک‌زنی و ...) و آزمایش فسفات (میزان تراوش فسفات موجود در مقطع کرت‌بندی‌ها که می‌تواند نشان‌دهنده سن نسبی باغچه و کرت‌بندی‌ها باشد) (Currie et al, 1991: 82-85). نمونه‌برداری‌های محیطی نیز می‌توانند شامل؛ الف) استخوان‌های کوچک (معرف رژیم غذایی و منزلت صاحب باغ و گونه‌های

به‌طور کلی، روش‌های باستان‌شناسی باغ را می‌توان در چهار دسته بخش نمود:

الف) مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (غیرمیدانی): این روش‌ها شامل بررسی آرشیوهای ابتدایی مانند نقشه‌ها و عکس‌های هوایی (اسکن لیزری هوابرد/ LiDAR) هستند. عکس‌برداری هوایی، برای نواحی جنگلی مناسب بوده و می‌تواند آب‌های سطحی و دیگر اطلاعاتی که از سطح زمین قابل مشاهده یا بررسی نیستند را آشکار ساخته و یا توپوگرافی اصلی باغ را در صورت نابودی هویدا سازد؛ آن هم در شرایطی که تنها توده‌ها یا تپه‌های خاک از آن برجای مانده‌اند (شکل ۵). عکس‌های هوایی، تنوع در گونه‌های کاشت و استعداد نواحی خشک و شخصیت چیدمان گونه‌های گیاهی را نشان می‌دهند. همه این اطلاعات باید در مقیاسی یکسان و بر مبنای یک نقشه کار توگرافی مدرن با هم تلفیق شوند. توالی تغییرات می‌توانند متعاقب آن در بستر زمان، بررسی و نمایش داده شده و به معرفی ویژگی‌های جذاب سایت کمک نمایند. جزئیات می‌توانند با کمک GIS، به بانک اطلاعاتی برای ابزارهای مدیریتی تبدیل شوند (Brian Dix, 2014: 150).

ب) باستان‌شناسی میدانی و نمونه‌برداری‌های محیطی: باستان‌شناسی میدانی، اطلاعاتی سه بعدی درباره باغ فراهم می‌آورد که به‌ندرت از پلان‌های یک بعدی و یا ترسیم‌ها و نقاشی‌ها قابل حصول هستند (Taylor, 1997: 21). کار میدانی در یک باغ تاریخی، به سه بخش اصلی قابل تقسیم است:

- ثبت بناها، سازه‌ها و آثار فیزیکی برجای مانده از بستر طبیعی باغ: مستندسازی آثار و بناهای فیزیکی، شامل بازیابی باغ برای یافتن بقایای قابل‌رؤیت بوده که توسط بسیاری متخصصان انجام می‌شود، ولی رویکرد باستان‌شناسان در ثبت جزئیات، متفاوت و دقیق‌تر است



شکل ۵. راست: عکس هوایی باغی در باکینگهام‌شایر انگلستان از قرن ۱۶ و چپ: عکس هوایی باغ و خانه‌ای در کمبریج‌شایر انگلستان متعلق به قرن ۱۸ (Taylor, 1997: 20; 22)

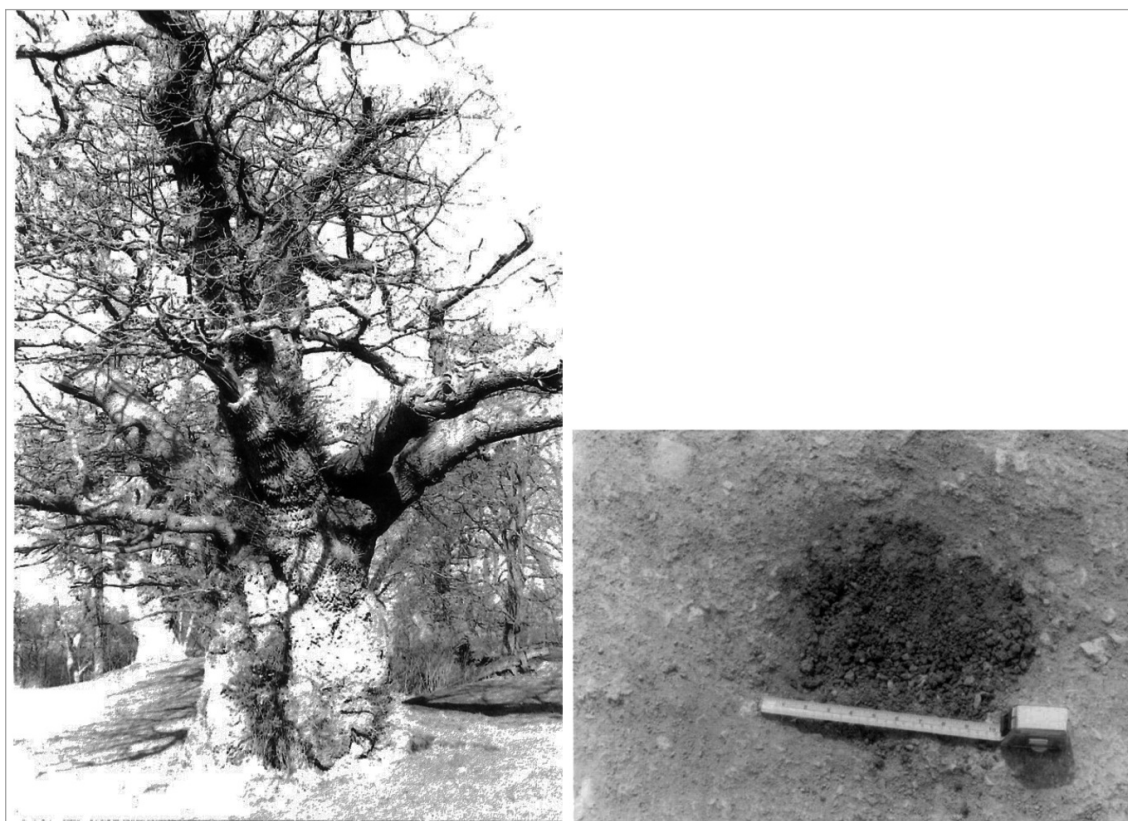
جانوری و حیوانی پیشین در باغ)، ب) دانه‌ها و گرده‌ها و ج) حشرات (نمایش‌دهنده محیط زیست و اکولوژی باغ) باشند (Currie et al., 1991: 88).

- بررسی اشیاء و مصنوعات: بازخوانی الگوهای رفتار اجتماعی، با مطالعه کارکردهای گوناگون اشیای سفالی، شیشه‌ای و فلزی ممکن است و شناسایی سلاقی و شأن صاحبان باغ، به واسطه بررسی داده‌های فرهنگی از این دست میسر می‌شود. همچنین، مطالعه پسماندهای ناشی از سکونت در باغ و محل دفن آنها برای غنا بخشیدن به خاک می‌تواند به بازیابی بخش‌های کلیدی باغ کمک کند (Ibid: 92).

ج) مساحی ژئوفیزیکی: امروزه مساحی ژئوفیزیکی و عکس‌برداری هوایی، به استاندارد پذیرفته‌شده در باستان‌شناسی باغ تبدیل شده که از دسته روش‌های با کمترین تخریب و با صرفه اقتصادی و زمانی بالا هستند. با فقدان اطلاعات و مستندات اولیه از طرح باغ و ساختار آن، مساحی ژئوفیزیکی، سودمندترین روش است. دو تکنیک اندازه‌گیری در این روش، قابل‌استفاده هستند؛ ۱) اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی و ۲) سنجش مغناطیسی. اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی، امکان تشخیص اجزایی با توان رسانایی ضعیف همچون؛ دیوارها، کف‌ها، مسیرها و عناصر کاملاً خشک و همچنین عناصر با توان رسانایی بالا مانند؛ هسته‌های میوه،

بستر سطوح گل‌کاری، گودال کاشت درختان، رسوبات کف کانال‌های آبیاری باغ و استخر و دیگر عناصر مرطوب را دارد. سنجش مغناطیسی نیز امکان تشخیص عناصر سوخته و تفته مانند؛ آجرها، آتشدان و تنوره و هسته‌های میوه، جوی آب، فضولات و نواحی کاشت حاصلخیز با کودهای ارگانیک را فراهم می‌آورد (شکل ۷). این ابزارها، نسبت به اشیای آهنی همچون تزئینات باغ، نرده‌ها، فنس‌ها و اشیای مدرنی چون میخ، نعل اسب و مانند آن حساس هستند. فواصل ۱ متر در ۱ متر، برای تشخیص اجزای موجود در یک باغ تاریخی اغلب کفایت می‌کند (Brian Dix, 2014: 151; Wheeler et al, 2007: 86).

د) حفاری: باور بسیاری از مدیران باغ‌های تاریخی بر این است که حفاری برای باغ، چهره ناخوشایندی خواهد داشت. با این حال، ترانسه‌های کم‌عمق که با دست حفر می‌شوند، در نقاط گزینشی در باغ به نحوی که خاک هر لایه به‌طور مجزایی برداشته شده و به‌وسیله ترسیم، عکس‌برداری و یادداشت‌برداری مستند شود، مفید فایده هستند (Currie et al, 1991: 80). هدف از کاوش در باغ می‌تواند مبسوط (کارهای دانشگاهی جهت کسب اطلاعات صرفاً تاریخی) و یا گزینشی (ارزیابی صحت اقدامات مرمتی) باشد. راهبردهای



شکل ۶. بقایای ریشه‌های فرسوده درخت با قطر ۲۳ سانتی‌متر و نمونه‌ای از درختان کهن باغ (Jacques, 1997a: 4; Jashemski et al, 1995: 565)

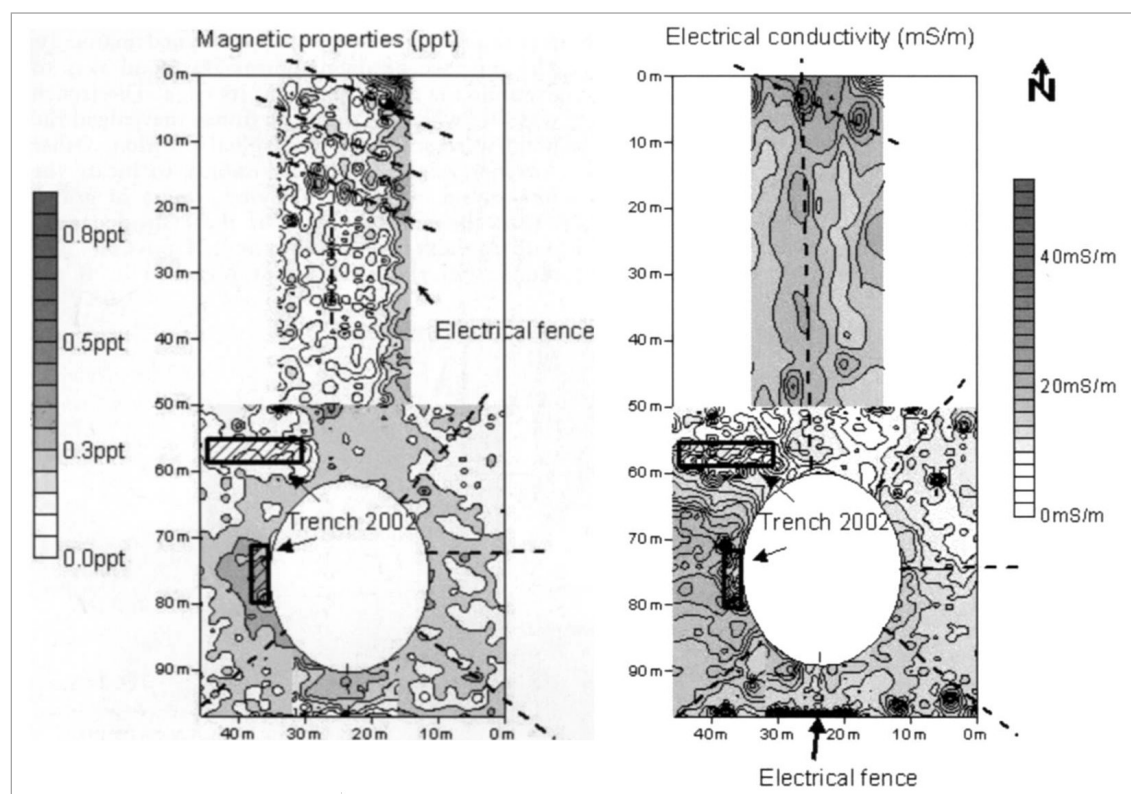
نوع «بازسازی» باشد که پیش تر راجع به آن توضیح داده شد. (ب) باستان شناسی باغ به عنوان بخشی از مطالعات باستان شناختی: باستان شناسی باغ اغلب با اهداف دانشگاهی به نیت تفسیر و باز شناسی، مورد استفاده بوده است. در این هنگام، از تکنیک های غیرمخرب، ارزان و محدود استفاده می شود. مساحی های ژئومغناطیسی نیز برای باز شناسی بقای باغ و با هدف تشخیص و تعریف حریم های حفاظتی باغ، مورد استفاده بوده که می توانند در مطالعات بعدی باستان شناسان به کار آیند.

(ج) باستان شناسی باغ به مثابه ابزار تفسیر: داده های بازیابی شده در جریان باستان شناسی باغ می توانند در تفسیرهای آتی مورد استفاده واقع شوند. بسط مجموعه ای از پلان های بازسازی شده در تاریخ های معین و کلیدی حیات باغ، تکنیک شناخته شده ای برای تاریخ دانان باغ است. همچنین، پلان های کامل و با کیفیت، پرسپکتیوها، ماکت ها، ویدئوها و دیگر تولیدات به شکل واقعیت مجازی، از امکان هایی بوده که با استفاده از داده های باستان شناسی باغ برای بازدید کنندگان قابل تهیه هستند و استفاده از داده های پیچیده کامپیوتری باعث شده که امروزه بازسازی گذشته بیش از بازنمایی نوشتاری پسندیده باشد.

نمونه گیری نیز می توانند طیفی از برداشتن کامل طرح رسمی باغ برای بازسازی مجدد باغ با طرح اصیل آن تا آزمون نقاط برجسته و عناصر کلیدی باغ را در بر بگیرند. حفاری های باستان شناسی نشان می دهند که بستر باغ چگونه برای اجرای طرح، مراقبت و آماده سازی می شده است (شکل ۸). رد پای گیاهان در پیوند با دیگر اجزای پیشین باغ می توانند در گل ولای استخر و خاک باغ، محفوظ مانده باشند (شکل ۹). با این حال، برخی اوقات نمونه گیری نمی تواند محل رشد گیاهان خاصی را مشخص نماید. احیای شیوه چیدمان گیاهان، اغلب بر پایه دیگر شواهد یاد شده بوده و می تواند مبتنی بر حدس و گمان باشد (Brian Dix, 2014: 152).

کارکردهای باستان شناسی باغ

بررسی و مطالعه ادبیات موضوع نشان می دهد که کارکردهای باستان شناسی باغ را می توان در ۵ بخش کلی تقسیم نمود؛ این موارد عبارت هستند از «احیا»، «مطالعات باستان شناسی»، «ابزار کمکی تفسیر»، «مصادیق مردم شناسی» و «تاریخ نگاری باغ». الف) باستان شناسی باغ با هدف احیا: از نظر اقتصادی، به صرفه ترین کارکرد باستان شناسی باغ، احیای باغ های تاریخی است. احیا می تواند هم شکل «تعمیر» به خود داشته و هم از

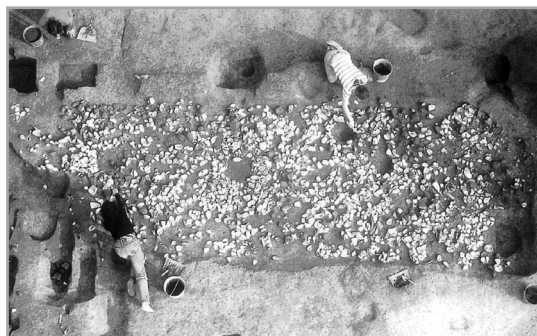


شکل ۷. پراکندگی ویژگی های مغناطیسی و قابلیت رسانایی خاک در شمال حوضچه باغ استرومشلُم سوند متعلق به قرن ۱۷ (Katarina et al, 2004: 267)

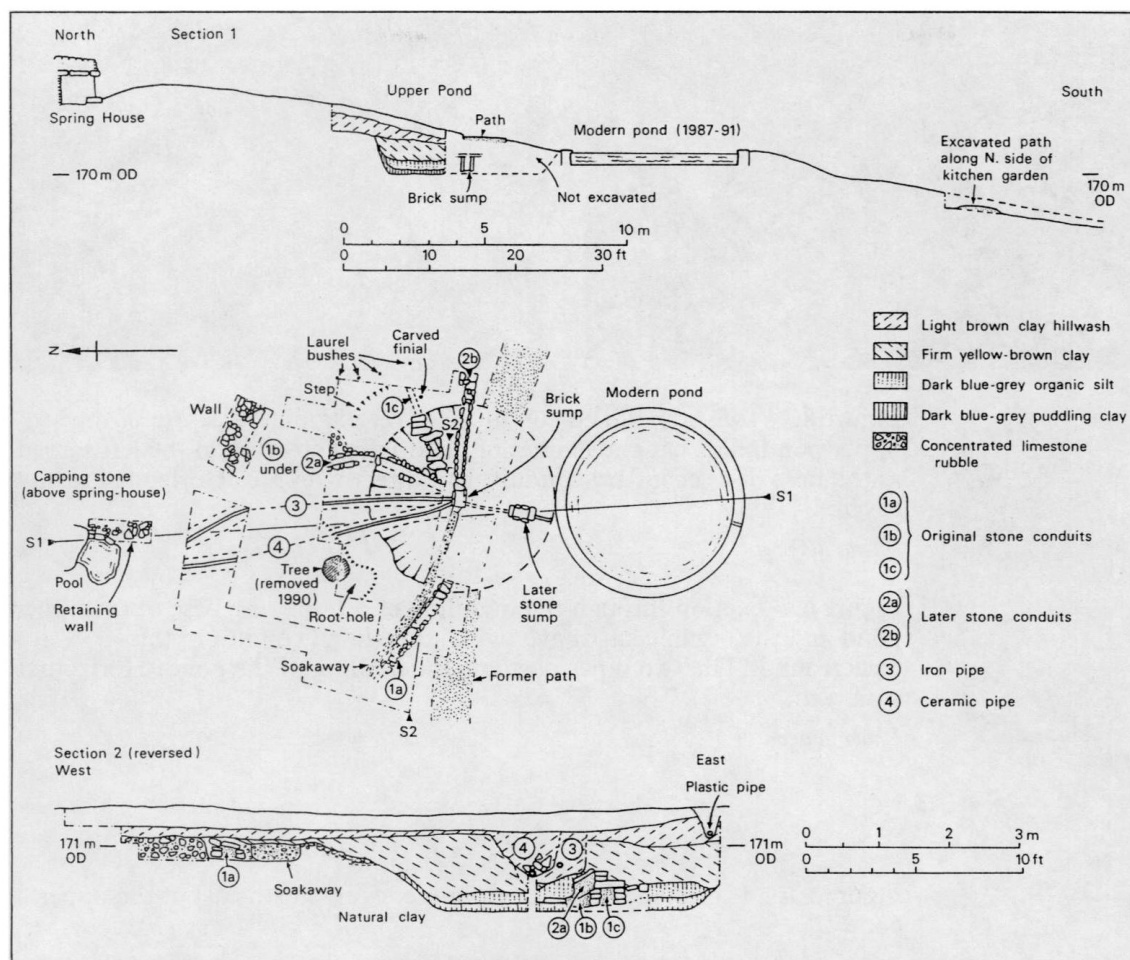
زندگی و مد، شکل می‌یابد. از این‌رو، شواهد باستان‌شناسی که حامل محتوای مردم‌شناختی است، همچون اجزای پراکنده‌ای بوده که نیازمند تفسیرهای گوناگون گسترده‌تری هستند (Jacques, 1997a: 8). باستان‌شناسان در این رویکرد، در پی پاسخ به موضوعاتی همچون سودمندی باغ، اهمیت نمادین و اجتماعی باغ، میزان تشابه و تمایز میان باغ‌های ساخته‌شده به‌دست طبقات گوناگون اجتماعی-اقتصادی و نژادی-مذهبی و نقش جنسیت در طرح، عملکرد و معنای باغ هستند (Baugher et al, 2002: 69).

ه) باستان‌شناسی در خدمت تاریخ‌نگاری باغ: امروزه ارزش باستان‌شناسی میدانی در تاریخ‌نگاری باغ، امری کاملاً پذیرفته شده است. بسیاری از باغ‌های مهم از نظر وسعت، سطح مراقبت، طراحان، مالکان و یا میزان تأثیرگذاری آنها، تا کنون به‌کمک باستان‌شناسی، شناسایی، ثبت و تحلیل شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، ماهیت باغ‌های قرون وسطی در انگلستان با صفاتی همچون؛ کوچکی، محصور بودن، درون‌گرایی و

د) باستان‌شناسی باغ در خدمت مردم‌شناسی: این موضوع در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا قابل توجه است. شواهد به‌دست آمده در آنجا، به ارتباط میان اشراف و بردگان، افزایش خواست عمومی برای استقلال از طریق کنترل طبیعت و دیگر تفسیرها از منظر به‌مثابه نمادی از واقعیات سیاسی و اجتماعی، اشاره دارند. منظر به‌طرز انکارناپذیری به‌وسیله ایدئولوژی، شیوه



شکل ۸. بقایای بستر کاشت در ویلیامزبورگ (R. Brown III et al, 1997: 74)



شکل ۹. پلان و مقطعی از بقایای یک استخر در باغی در گلاسترشایر (Bell, 1993: 33)

باغ (بناها، راه‌ها و مانند آن)، از اصالت نتایج اطمینان داشت. بدین ترتیب، مرمتگر به‌ویژه در احیای نظام کاشت باغ، باید از روش‌های کورکورانه در دستیابی به اصالت پرهیز نموده و در عوض، مفهوم «مقیاس» و «فهم نیت اصلی طراح» را مد نظر داشته باشد (Clark, 1969: 6).

ج) چالش تفسیر داده‌ها: شواهد اغلب به‌طرز اجتناب‌ناپذیری، با تفسیرهای ذهنی مواجه شده که مبتنی بر ارزش‌های فردی و امروزی هستند. می‌توان به این موضوع تلاش برای تطبیق باغ با خواست انبوه تماشاگران، میزان در دسترس بودن گیاهان و محدودیت منابع را نیز افزود. البته مبرهن است که احیای بسیاری از باغ‌ها در طول تاریخ، با روش‌های مرسوم همان عصر بوده است (Sales, 1995: 6). همچنین اگر بین یافته‌ها و اسناد پیشین، افتراقی هستی‌شناختی برقرار باشد، درک هر کدام مجزا از دیگری است؛ قیاس این دو قلمرو نیز در عمل، تفاوت‌هایی در سازمان و ساختار اجتماعی و سامانه معنایی خواهد بود که حرکت مداوم میان این دو قطب، نوعی روش قیاسی تلقی می‌شود (Leone, 1988: 33).

از سوی دیگر، مخلوط شدن بقایای اجزای باغ در زیر لایه‌های سطحی زمین که به فازهای گوناگون در تاریخ سایت تعلق دارد، به تفسیرهای متعدد از طرح باغ منتج شده و باعث می‌شود برخی موضوعات مهجور بمانند (Taylor, 1997: 19). تفسیرهای آزاد متخصصان نیز می‌توانند ارزش تکنیک‌ها را از آنچه مورد انتظار است کمتر نمایند؛ به‌طور کل، باستان‌شناسان محتاط بوده و برخی مواقع از تفسیر سرباز می‌زنند. این در حالی است که مرمتگر باید از شواهد موجود تصمیم‌گیری نماید. تعریف زود هنگام آزمون فرضیه‌ها در بازسازی باغ می‌تواند ناسازگاری را برطرف نماید و این امر در باستان‌شناسی باغ، نیازمند تجربه است (Jacques, 1997a: 7).

د) چالش تخصص‌گرایی: در واقع تفسیر نادرست داده‌ها می‌تواند ناشی از «تمرکز بر رویکرد محدودنگری» بوده که به پیش‌داوری‌ها دامن خواهد زد. محدودیت شواهد فیزیکی موجود باید مد نظر بوده و از تفسیرهای ناپایدار باید اجتناب نمود. تفسیرهای ضعیفی که بر مبنای منابع آرشئوی بنا شده باشند، خود را در نزاع با یافته‌های باستان‌شناسی باغ خواهند یافت. همکاری‌های میان‌رشته‌ای در باستان‌شناسی باغ می‌توانند تنها راه چاره باشند. هر چند باستان‌شناسان، توانایی ارائه تفسیرهای جایگزین مبتنی بر منابع تاریخی را دارند، با این حال آنان با زبان دیگر متخصصان صحبت نمی‌کنند؛ معماران منظر نیز دیدگاه دیگری نسبت به یافته‌های باستان‌شناسی دارند (Brian Dix, 1997: 13). مدیریت

کاشت متراکم و مسیرها و سکوهای بال‌آمده شناخته شدند (Taylor, 1997: 20-21) و یا باستان‌شناسی باغ در گلاسترشایر (۱۹۸۸-۱۹۹۱)، ویژگی‌های دقیقی از باغ‌های سبک روکو کو ارائه داده است (Bell, 1993: 24).

چالش‌ها در باستان‌شناسی باغ

الف) چالش تاریخ‌گذاری: تاریخ‌یابی در باغ‌های تاریخی، اهمیت زیادی دارد. باستان‌شناسی به‌طور کلی، لایه‌های گوناگون خاک باغ را با توجه به یافته‌های هر لایه، تاریخ‌گذاری می‌نماید. مرسوم‌ترین اشیای موجود در این لایه‌ها، قطعات سفالی (کوزه، آجر، کاشی، لوله‌های سفالین و مانند آن) هستند. با این حال، یافتن شمار مناسب و کافی از این اشیاء در باغ تاریخی به‌ندرت ممکن است؛ چرا که چنین اشیایی به خانه تعلق دارند تا بستر باغ (Currie et al, 1991: 91). آزمون‌های کربن ۱۴، درخت گاه‌شماری و «گرما نورافشانی (نورتابی گرمایی)»^{۴۲} (ناشی از دریافت اشعه گامای خورشید توسط دانه‌های معدنی و آزاد شدن آن به‌دلیل گرما یا در معرض نور خورشید قرار گرفتن مجدد که اندازه‌گیری میزان تشعشع می‌تواند همچون ساعت اتمی، نمایانگر آخرین بازه زمانی باشد که آنها در معرض آفتاب بوده‌اند) و بررسی شیمیایی فساد سطوح استخوانی جانداران می‌توانند در این کار مفید باشند (Ibid).

ب) چالش اصالت‌یابی: داده‌های باستان‌شناسی نیز مانند هر شاهد دیگری، با محدودیت‌هایی همراه بوده که به طبیعت کاوش و شرایط بقایای باغ باز می‌گردند. با این حال، باستان‌شناسی باغ در صورت وجود اسناد و شواهد تصویری، بیشترین کارایی را دارد (Brian Dix, 2011: 152-154). گرایش به سوی اصالت نزد تاریخ‌نویسان باغ، تغییر شگرفی یافته؛ نوعی تغییر از اتکا به پلان‌های تاریخی به سوی یافته‌های باستان‌شناختی یافت‌شده در باغ، برای تقویت اصالت برنامه‌های تعمیر و احیای گسترده در باغ رخ داده است. باستان‌شناسی باغ، اصل‌ترین تعریف را از اجزای باغ فراهم می‌آورد و در صورتی که هدف، احیای آبی باغ باشد، هیچ راه حلی اطمینان‌بخش‌تر از حفاری نیست (Jacques, 1997a: 7). با این حال، انتخاب تکنیک باستان‌شناسی مورد نیاز، تابعی از هدف غایی است. اگر نیت از باستان‌شناسی، احیا باشد، روش‌های غیرمخرب نیز می‌توانند به داده‌های اصل‌ترین برای پیشنهاد طرح کاشت و بازیابی طرح کلی باغ کمک نمایند. با این وجود همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یافتن گونه‌های گیاهی پیشین باغ با هر تکنیکی که باشد، همواره حدی از حدس و گمان را در پی دارد و نمی‌توان مانند دیگر بخش‌های ساختمانی و حجیم

گروه برای بررسی پیشنهادها و یافتن طرح احیای مناسب، نیازمند ایجاد تعادل میان همه متخصصان درگیر است که می‌تواند سازنده، خلاق و مفید باشد.

باستان‌شناسی باغ و افق‌های آینده

تا کنون باستان‌شناسی باغ با نگاهی تاریخی، به بازایی و احیای باغ‌هایی پیش از قرن ۱۹ توجه داشته است. در بریتانیا و آمریکا در چهار دهه اخیر، رشد قابل توجهی در باستان‌شناسی باغ دیده می‌شود که معطوف به باغ‌های ساخته‌شده تا میانه قرن ۱۸ و تمام قرن ۱۹ میلادی است؛ یعنی تلاش برای یافتن کرت‌ها، دریاچه‌ها و نظرگاه‌ها که مشخصه‌های باغ‌های رسمی بوده و ساختار هندسی و مصنوعی آنها را نشان می‌دهند. این تلاش‌ها، به «منظر سخت» باغ همچون مسیرهای شنی، دسترسی‌ها، ساختمان‌های تزئینی و دیوارها توجه وافر داشته که برای باغ‌های ساخته‌شده تا پیش از ۱۷۵۰ میلادی موضوعیت دارند. لذا باغ‌هایی با طرح‌های طبیعی‌تر از اواخر قرن ۱۸، توجه کمتری را به خود جلب نموده‌اند (Williamson, 1999: 37-38). به بیان دیگر، توجه به «منظر نرم» (عناصر طبیعی باغ) در مطالعات باستان‌شناختی باغ، موضوع کمابیش تازه‌ای است و دستاوردهای نوین فنی و روش‌شناختی می‌توانند در آینده، به رشد باستان‌شناسی باغ در موضوعات طبیعی حاکم بر شکل باغ تأکید بیشتری نمایند. در حیطه مطالعات نظری در باغ (به‌ویژه باغ‌های بومی)، تا کنون سه رویکرد مفهومی اصلی شناسایی شده که دو مورد نخست از رونق بسیار بیشتری برخوردار هستند؛ الف) رویکرد بیولوژیکی (که باغ را ساخته دست انسان تلقی کرده، ولی بر تنوع گونه‌های گیاهی تأکید دارد)، ب) رویکرد فرهنگی (که ضمن درک عناصر زنده در باغ، آنها را اجزای فرهنگی دانسته و فضای خلق‌شده بر اساس الگوی خانه‌ها و گیاهان را، صحنه‌ای برای بروز رفتارهای روزانه می‌پندارد) و ج) بسط طراحی منظر و تاریخ هنر (که در این‌جا، ترکیب باغ و تدوین رفتارهای انسانی در باغ‌ها مد نظر است) (Kimber, 2004: 269). در این میان، هر چند باستان‌شناسی برای درک کلی ما از رشد فیزیکی منظر طراحی‌شده به کار گرفته شده است، اما باستان‌شناسان توجه کمتری به توضیح دگرگونی سبک‌ها از خود نشان داده‌اند (Williamson, 1999: 38). دسته‌بندی‌های خشک موجود در گونه‌شناسی باغ‌های تاریخی، سبب شده که شمار موضوعات مورد توجه باستان‌شناسی باغ، به گونه‌های رسمی یا مرسوم محدود شده و دیگر انواع باغ کمتر مورد توجه قرار گیرند؛ به عنوان نمونه، باغ‌های سلطنتی خانگی^{۴۳} (یا باغچه

سبزی‌کاری خانگی)، یکی از این انواع است که نمونه‌ای از آن متعلق به قرن ۱۷ میلادی در قلعه استرومشل^{۴۴} سوئد و در سال ۲۰۰۲ مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفت (Katarina et al, 2004). باغ-حیات‌ها نیز نمونه دیگری بوده که در کشور تونس و متأثر از باغ‌سازی رم باستان ساخته می‌شدند و یکی از آنها در سال ۱۹۹۰ حفاری شد (Jashemski et al, 1995)؛ این در حالی است که باغ-قلعه‌ها، توجه فراوانی را به خود معطوف کرده بودند (Conway et al, 1994; Currie et al, 1991; Hynd et al, 1983).

تغییر در جریان‌های باستان‌شناسی در چند دهه اخیر نیز می‌تواند ظرفیت‌های باستان‌شناسی باغ را دگرگون نماید. باستان‌شناسی قرن بیستم که از دهه ۱۹۶۰ مورد مطالعه قرار گرفته، یکی از مهم‌ترین این جریان‌ها است. هر چند «باستان‌شناسی گذشته بسیار نزدیک» چیز جدیدی نیست، اما باستان‌شناسی قرن بیستم همواره بخشی قوی از باستان‌شناسی صنعتی بوده است (Belford, 2014: 3) که با «باستان‌شناسی معاصر» تفاوت‌هایی دارد، اما نقش آن در بازایی باغ‌های معاصر به‌ویژه نزد معماران منظر و تاریخ‌نویسان منظر و باغ نادیده گرفته شده است؛ به عنوان نمونه، احداث باغ‌های جنبش هنر و پیشه در استرالیا که تا سال ۱۹۱۴ ادامه داشتند، همچون نیای انگلیسی خود، باغ‌هایی طراحی‌شده به دست معماران بوده که شامل چمن‌کاری، باغ رُز، کرت‌بندی و باغ وحشی می‌شده (Dernelley, 2005: 118)، اما به تازگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مدل‌سازی یافته‌ها و توصیه‌هایی برای باغ ایرانی

بر پایه مطالعات موجود در زمینه باستان‌شناسی باغ، مدل سه وجهی مفهومی (شکل ۱۰)، در ابعاد «کارکردشناسی»، «روش‌شناسی» و «چالش‌شناسی» قابل تدوین است. منظور از کارکرد در این‌جا، نقشی است که باستان‌شناسی باغ در مقیاسی فراتر از خود ایفا می‌نماید. با این نگاه، باستان‌شناسی باغ می‌تواند با هدف احیا، بخشی از مطالعات کلان‌تر باستان‌شناختی، ابزاری برای تفسیر و مبنایی برای مردم‌شناسی یا تاریخ‌نگاری باغ، انجام شود. روش‌های مورد استفاده در باستان‌شناسی باغ نیز طیف گسترده‌ای از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (غیرمیدانی) تا حفاری‌های سطحی و عمیق را در بر دارند. در این میان، مساحی ژئوفیزیکی و نمونه‌برداری‌های میدانی و محیطی، روش‌های غیرمداخله‌ای و ارزان‌تری هستند. مهم‌ترین چالش‌های پیش روی باستان‌شناسی باغ، به پیچیدگی تاریخ‌گذاری داده‌ها، مفهوم اصالت، شیوه قابل قبول تفسیر داده‌های حاصل از کاوش و پاره‌ای نگاه‌های حصری و رشته‌محور و یا چارچوب‌های

است که این موضوع سبب شده که حفاظت از منظر باغ، ناچیز شمرده شود.

ج) از آنجا که نظام کاشت (گونه‌ها و الگوها) در باغ ایرانی متنوع است، داده‌های باستان گیاه‌شناسی می‌توانند فهم بهتری از باغبانی باغ و کارکردهای آن به‌دست داده که در فرآیندهای طرح مرمت و احیا مفید خواهند بود و به تکمیل تاریخ‌شناسی باغ ایرانی و تحولات آن از نگاه منظرین، کمک فراوانی می‌نمایند.

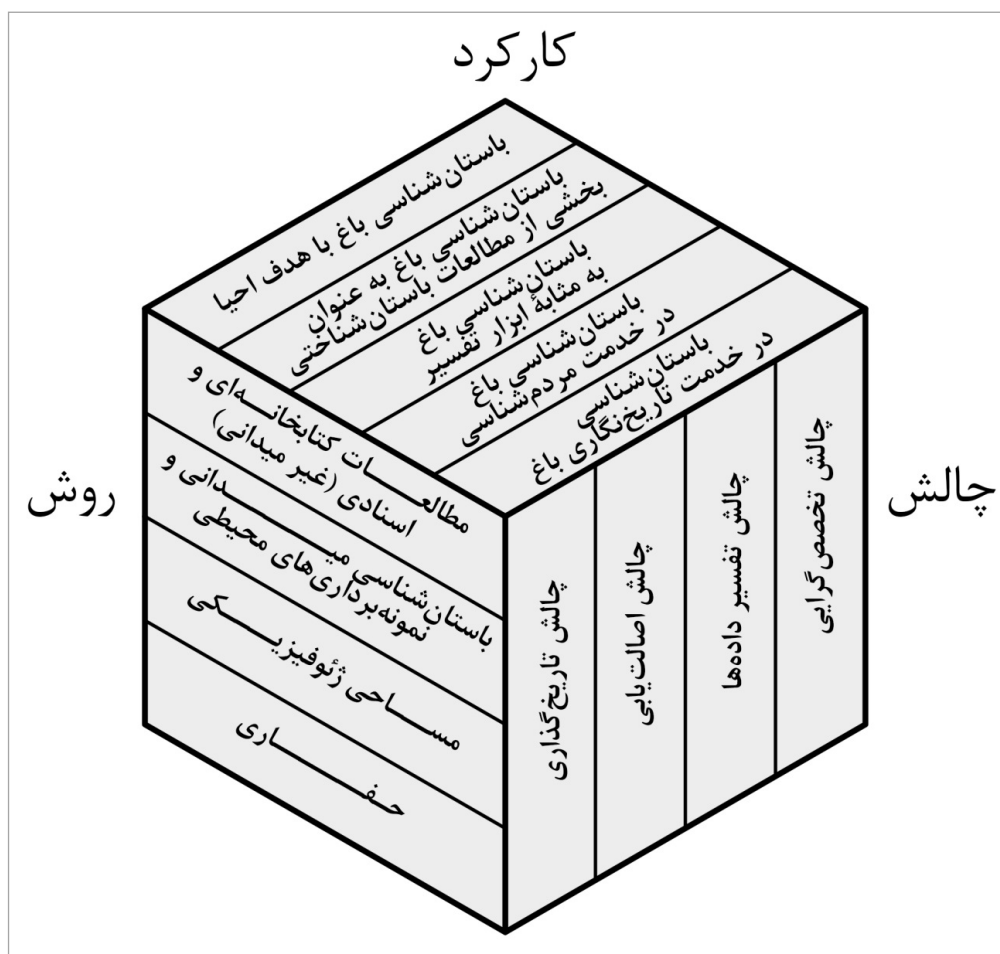
د) باستان‌شناسی باغ می‌تواند به‌عنوان رکنی در همه پروژه‌های باستان‌شناسی کشور مطرح شود؛ به‌گونه‌ای که در همه مواردی که امکان حضور باغی در سایت باستان‌شناسی مطرح باشد، بررسی این موضوع اهمیت یابد.

ه) در نهایت، باستان‌شناسی باغ می‌تواند گونه‌های احتمالاً تازه‌ای از باغ ایرانی که وسعت و فراوانی کمتری داشته‌اند را آشکار ساخته و به‌ویژه با بررسی «باغ‌های بومی» همچون معماری بومی، درک عمیق‌تری از زیست تاریخی ایرانی در اقلیم گوناگون کشور فراهم آورد.

قراردادی تخصص‌های درگیر در احیای باغ تاریخی، باز می‌گردند. آنچه در این میان اهمیت دارد، کاربردی کردن باستان‌شناسی باغ و ترویج آن در احیای باغ‌های ایرانی است. چالش‌ها و فرصت‌های کلیدی موجود در این حیطه، شامل موارد زیر هستند:

الف) باغ ایرانی به‌لحاظ ساختاری و بر خلاف باغ‌های اروپایی، کربندی ساده‌تر و هندسی دارد و از آنجا که گیاه‌آرایی در آن جای ندارد، تنوع شکل کرت‌ها فراوان نیست؛ این موضوع، یافته‌های باستان‌شناسی را تا حدی ساده خواهد نمود. در عوض، آلاچیق‌ها، سازه‌های موقتی، چادرها و سکوها در سفرنامه‌ها و نگارگری‌های معرف باغ ایرانی دیده می‌شوند که مستندات چندانی از حضور فیزیکی آنها در دست نیست. این موضوعات، افق‌های پیش رو هستند.

ب) باستان‌شناسی باغ ایرانی می‌تواند با چالش تأکید بر عناصر کالبدی باغ مواجه باشد؛ همچنان که اسناد ثبتی باغ‌های تاریخی کشور بیش از همه، بر مستندسازی عمارت‌ها توجه داشته‌اند و منظر باغ، کمتر موضوعی جدی تلقی شده



شکل ۱۰. مدل مفهومی باستان‌شناسی باغ (نگارنده)

نتیجه‌گیری

جریان‌های باستان‌شناسی باغ، در نیمه دوم قرن بیستم رونق یافته‌اند و به‌عنوان یک تخصص، بیشترین توسعه آنها در کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا بوده است. از نظر روش‌شناسی، جریان‌های آتی باستان‌شناسی باغ با رشد تکنیک‌های سنجش از دور، مساحی ژئوفیزیکی و عکس‌برداری هوایی، به سمت راهبردهای غیرمخرب پیش رفته و از حفاری‌های وسیع، پرهزینه و زمان‌بر کمتر استفاده خواهند شد. رشد روش‌های باستان گیاه‌شناسی، به تعریف واقعی‌تر نظام کاشت در باغ‌های تاریخی منتج خواهد شد. مدل مفهومی باستان‌شناسی باغ نشان می‌دهد که کارکرد باستان‌شناسی باغ از احیای باغ‌های تاریخی به‌سوی موضوعات میان‌رشته‌ای و به‌ویژه مردم‌شناسی، در حرکت است و نقش داده‌های حاصل از آن بیش از گذشته، در فرآیندهای تفسیری و تحلیلی به‌ویژه در تاریخ‌نگاری باغ، مورد استفاده خواهد بود. چالش‌های مهم در این موضوع، «تاریخ‌نگاری»، «اصالت‌یابی»، «تفسیر داده‌ها» و «تخصص‌گرایی» هستند که دو مورد نخست، ناشی از «ماهیت موضوع» بوده که به محدودیت‌های روش‌شناسی باز می‌گردد و دو مورد آخر، ناشی از «ضعف تفکر میان‌رشته‌ای» بوده که از مرزگذاری‌های علمی ناشی شده است و در آینده کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

ضعف منابع نوشتاری و تصویری موجود از تاریخ باغ ایرانی به‌دلیل قلت، شک در صحت و عدم دقت کافی، در برخی موارد نیاز به باستان‌شناسی باغ را به ضرورتی در طرح مرمت و احیای باغ ایرانی بدل نموده که افزون بر رد یا تأیید فرضیه‌های حفاظتی باغ، امکان درک لایه‌های تاریخی گوناگون حیات باغ را نیز ممکن می‌سازد. پژوهش‌های آتی می‌توانند به موضوعات آسیب‌شناسی روش‌های باستان‌شناسی باغ در جوامع در حال توسعه، کار با نیروهای نیمه‌ماهر و محلی در ایران، جایگاه اجتماعی، تخصصی و قانونی باستان‌شناسی باغ در قوانین، مقررات و فرآیندهای اجرایی مرمت و احیای باغ‌های تاریخی کشور بپردازند. موضوع مهم دیگر، به شیوه گردش کار مرمت و احیای باغ و تعامل و همکاری تخصصی، فنی و اجرایی متخصصان گوناگون در این فرآیند باز می‌گردد که امید می‌رود توسط دیگر پژوهشگران به انجام رسد. یافتن مناسب‌ترین روش‌های قابل استفاده در باستان‌شناسی باغ‌های تاریخی ایران، موضوع دیگری بوده که نیازمند تجربه عملی و میدانی است که می‌تواند در آینده محقق و منتشر شود.

پی‌نوشت

1. Garden History Society
2. Monument
3. Humphrey Repton
4. Garden
5. Garten, Jardin, Giardino, Hortus, Paradise, Paradiso, Park, Parc, Parquet, Court, Hof, Kurta
6. Geard
7. Yard
8. Icomos & Ifla
9. Restoration
10. Rehabilitation
11. Preservation
12. Reconstruction
13. Graham Stuart Thomas
14. Conservation
15. Burra Charter of Australia Icomos
16. Maintenance
17. Re-Creation



18. Sylvia Landsberg
19. Creative Conservation
20. Sir Geoffrey Jellicoe
21. John Dewey
22. Hadrian
23. Giacomo Boni
24. Pompeii
25. Levens Hall
26. Royal Commissions on Ancient and Historical Monuments in Scotland and England
27. George Chettle
28. Kirby Hall
29. Painshill
30. Schlobhof
31. Brian Dix
32. Valery
33. Williamsburg
34. Arthur A. Shurcliff
35. Chesapeake
36. Wah Garden
37. Non Destructive
38. Environmental Archaeology
39. Ecofacts
40. Wilhelmina Jashemski
41. Dendrochronology
42. Thermoluminescence
43. Royal Kitchen Garden
44. Strömsholm

منابع و مآخذ

- استروناخ، دیوید (۱۳۷۲). شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایران. *فصلنامه اثر*، ۱۴ (۲۲) و ۲۳، ۵۴-۷۵.
- ترنر، تام (۱۳۹۵). *تاریخ باغ‌سازی*. ترجمه حمیدرضا عظمتی و محسن فیضی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید رجایی.
- جیحانی، حمیدرضا (۱۳۹۶). روز درختکاری، بازگشت درختان مثمر و چشم‌انداز مرمت طرح کاشت در باغ فین. *دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات معماری ایران*، ۶ (۱۲)، ۱۵۹-۱۶۲.
- حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶). *مرمت شهری*. چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- حیدرتاج، وحید (۱۳۹۶). نقش عناصر منظر (آب و بستر جغرافیایی) در شکل‌گیری باغ بحرالارم بابل. *ماهنامه علمی- پژوهشی باغ نظر*، ۱۴ (۵۴)، ۵-۲۰.
- راسخی، مجید (۱۳۹۲). مقدمه مترجم بر ترجمه کتاب *باغ‌های اسلامی؛ معماری، طبیعت و مناظر*. نوشته آتلیو پتروچیولی. چاپ اول، تهران: روزنه.
- رضازاده، اسحق و حیدرتاج، وحید (۱۳۹۶). بازشناسی باغ جهان‌نمای فرح‌آباد بر اساس شواهد باستان‌شناختی و قرائن تاریخی. *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۷ (۱۴)، ۲۲۰-۲۱۷.
- زارعی، محمد ابراهیم و سلطان‌مردای، زهره (۱۳۹۶). آب در باغ ایرانی؛ بررسی معماری آب و ساختار آب‌رسانی در باغ چهل‌ستون اصفهان. *فصلنامه علمی- پژوهشی شهر ایرانی اسلامی*، ۸ (۳۰)، ۴۳-۵۶.

- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در معماری*. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- مسعود، محمد؛ امین‌پور، احمد و آقاشریفیان اصفهانی، حمید (۱۳۹۴). واکاوی تحلیلی معنای کاربردی چهارباغ در کتاب‌ها و نوشته‌های سده هشتم تا یازدهم هجری. *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۳ (۶)، ۱۰۵-۱۲۱.
- منصوری، سیما (۱۳۸۸). باغ‌های چهارگانه، ترجمان باورهای مقدس (نمونه موردی فین). *دوفصلنامه علمی- پژوهشی* صفه، ۱۸ (۴۸)، ۳۰-۱۷.
- Atkinson, M. (2001). Keeping the land clean: an creation historical archaeology of landscape and garden at Murrungowar, Victoria. *Studies in the History of Gardens & Designed Landscapes*, 21(1), 19-26. doi: 10.1080/14601176.2001.10436268
- Ball, W. (1981). The Remains of a Monumental Timurid Garden outside Herat. *East and West*, 31(1/4), 79-82.
- Baugher, S. & De Cunzo, L. A. (2002). Archaeological Perspectives On and Contributions To the Study of Colonial American Gardens. *Landscape Journal* . 21(1), 85-68.
- Belford, P. (2014). Contemporary and recent archaeology in practice. *Industrial Archaeology Review*, 36(1), 3-14. doi: 10.1179/0309072814Z.000000000025
- Bell, R. D (1993). Archaeology and the Rococo Garden: The Restoration at Painswick House, Gloucestershire. *Garden History*, 21(1), 24-45. doi: 10.2307/1587052
- Bourke, M. (1983). How will my garden grow? A philosophy for the restoration of historic gardens. *The Journal of Garden History*, 3(1), 49-54. doi: 10.1080/01445170.1983.10412422
- Brewster, E. (2001). Gardens Lost. *Landscape Journal*, 20(1), 97-102.
- Clark, H. F. (1969). The Restoration and Reclamation of Gardens. *Occasional Paper (Garden History Society)*(1), 3-6. doi: 10.2307/1586293
- Conway, M. G., Reeves-Smyth, T. & ,Reeves-Smith, T.(1994). Excavations at Antrim Castle Gardens, 1991 and 1994. *Ulster Journal of Archaeology*, 57, 159-176.
- Currie, C. K., & Locock, M. (1991). An Evaluation of Archaeological Techniques Used at Castle Bromwich Hall, 1989-90. *Garden History*, 19(1), 77-99. doi: 10.2307/1586994
- Currie, C. (2005). *Garden Archaeology: A Handbook*: Council for British Archaeology.
- Deetz, J. (1988). American Historical Archeology: Methods and Results. *Science*, 239(4838), 362-367.
- Dernelley, K. (2005). The Building of the Garden: Arts & Crafts Gardens in Australia, 1880-1914. *Garden History*, 33(1), 118-126. doi: 10.2307/25434160
- Dix, B. (1997). 'Diging of borders': Reflections on archaeology and garden restoration. *The Journal of Garden History*, 17(1), 11-17. doi: 10.1080/01445170.1997.10412530
- _____ (2011). Experiencing the past: the archaeology of some Renaissance gardens. *Renaissance Studies*, 25(1), 151-182.
- _____ (2014). Garden archaeology. In Marion Harney (Ed.), *Gardens & Landscapes in Historic Building Conservation* (pp. 149-152): John Wiley & Sons.
- Ernest Brown, A. (1991). *Garden archaeology; papers presented to a conference at Knuston Hall, Northamptonshire, April 1988*: Council for British Archaeology.
- Fricker, L. J. (1975). Historic Gardens and Landscapes: The Conservation of a National Asset. *The Town Planning Review*, 46(4), 407-414.



- Hynd, N. R., & Ewart, G. (1983). Aberdour Castle Gardens. *Garden History*, 11(2), 93-111. doi: 10.2307/1586838
- ICOMOS. (1964). Nternational Charter For The Conservation And Restoration Of Monuments And Sites (The Venice Charter 1964). from https://www.icomos.org/charters/venice_e.pdf
- _____ (1981). Historic Gardens (The Florence Charter 1981). from https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/gardens_e.pdf
- Jacques, D. (1997a). The progress of garden archaeology. *The Journal of Garden History*, 17(1), 3-10. doi: 10.1080/01445170.1997.10412529
- _____ (1997b). *The Techniques and Uses of Garden Archaeology, Papers from an ICOMOS/English Heritage Conference*: Taylor & Francis.
- Jashemski, W. F., Foss, J. E., Lewis, R. J., Timpson, M. E., & Lee, S. Y (1995). Roman Gardens in Tunisia: Preliminary Excavations in the House of Bacchus and Ariadne and in the East Temple at Thuburbo Maius. *American Journal of Archaeology*, 99(4), 559-576. doi: 10.2307/506183
- Katarina, F, Kristina, J., & Persson, K. (2004). The Royal Kitchen Garden at Strömsholm Castle: Evaluating Archaeological Methods. *Garden History*, 32(2), 261-271. doi: 10.2307/4150385
- Khan, M. (1996). An Introduction to the Historical, Architectural and Hydraulic Studies of the Mughal Garden at Wah, Pakistan. *East and West*, 46(3/4), 457-472.
- Kimber, C. T. (2004). Gardens and Dwelling: People in Vernacular Gardens. *Geographical Review*, 94(3), 263-283.
- Leone, M. P. (1988). The Relationship between Archaeological Data and the Documentary Record: 18th Century Gardens in Annapolis, Maryland. *Historical Archaeology*, 22(1), 29-35.
- Malek, A. (2013). *Sourcebook for Garden Archaeology: Methods, Techniques, Interpretations and Field Examples*: Peter Lang.
- Masson, G. (1975). Garden Restoration in Italy. *Garden History*, 3(4), 45-47. doi: 10.2307/1586419
- Moynihan, E. B. (1988). The Lotus Garden Palace of Zahir al-Din Muhammad Babur. *Muqarnas*, 5, 135-152. doi: 10.2307/1523114
- R. Brown III, M., & A. Chappell, E. (1997). Archaeology and garden restoration at Colonial Williamsburg. *The Journal of Garden History*, 17(1), 70-77. doi: 10.1080/01445170.1997.10412537
- Ross, S. (1999). Gardens' Powers. *Journal of Aesthetic Education*, 33(3), 4-17. doi: 10.2307/3333698
- Sales, J. (1995). Garden Restoration Past and Present. *Garden History*, 23(1), 1-9.
- _____ (2009). The Conservation And Management Of Historic Flower Gardens Of The Twentieth Century. *Garden History*, 37(2), 218-225.
- Taylor, C. (1997). The place of analytical fieldwork in garden archaeology. *The Journal of Garden History*, 17(1), 18-25. doi: 10.1080/01445170.1997.10412531
- Thackray, D. (1997). The use of volunteers in garden archaeology. *The Journal of Garden History*, 17(1), 54-60. doi: 10.1080/01445170.1997.10412535
- Thomas, G. S., & Jellicoe, G. (1980). HISTORIC GARDENS. *Journal of the Royal Society of Arts*, 128(5285), 275-294.
- Thompson, I. (1995). Can a landscape be a work of art?: an examination of Sir Geoffrey Jellicoe's theory of aesthetics. *Landscape Research*, 20(2), 59-67. doi: 10.1080/01426399508706457
- Turner, T. (2005). *Garden History (Philosophy and Design 2000 BC–2000 AD)*: Spon Press.

- _____ (2017). Alternative Garden Conservation Policies Retrieved 2/25/2017, from http://www.gardenvisit.com/history_theory/garden_landscape_design_articles/historic_heritage_restoration/creative_conservation_restoration_re_creation
- Verdi, L. (2004). The Garden and the Scene of Power. *Space and Culture*, 7(4), 360-385. doi: 10.1177/1206331204266194
- Wheeler, J., Aspinall, A., & Walker, R. A. (2007). Geophysics in the Garden: A Survey of the Gardens at Duncombe Park, North Yorkshire. *Garden History*, 35(1), 85-91. doi: 10.2307/25472356
- Wilkinson, A. (1994). Symbolism and Design in Ancient Egyptian Gardens. *Garden History*, 22(1), 1-17. doi: 10.2307/1586999
- Williamson, T. (1999). Gardens, Legitimation, and Resistance. *International Journal of Historical Archaeology*, 3(1), 37-52.





Received: 2017/06/26

Accepted: 2019/04/14

Compiling the Conceptual Framework of «Garden Archeology»; Functions, Techniques and Challenges

Ali Asadpour*

Abstract

The garden has a social, aesthetic and artistic representational capacity, and is a mix of static and dynamic elements that protect, rebuild and revive with theoretical, practical and technical challenges. "Garden archeology" is considered to be a subclass of archeological activity, which, after the Second World War and especially in recent decades, has been the focus of attention on projects for the restoration of historical gardens in developed countries. The purpose of this research is to recognize and analyze: a) the historical streams of the garden archeology and the explanation of its future horizons; (b) the typology of methods and techniques; (c) the recognition of the functions and subsequent challenges; and, ultimately, the development of a conceptual framework of it in the experience of the restoration of historical gardens. For this purpose, a logical reasoning method based on the analysis, classification and critique of written and library data will be used and will result in a logical reasoning based on the inference approach. The conceptual model derived from three aspects, including "function", "method", and "challenge", and the results represent the movement of destructive methods in exploration to non-destructive techniques (remote sensing, aerial photography, and geophysical surveying). The archeological functions of the garden also include a variety of "restoration" to "interpretation," which reflects the attention to "anthropology" and interdisciplinary topics. The challenge of "authentication", "history", "data interpretation" and "specialization" can also be arranged in this context, due to "exploration methods" and "strands involved". Finally, suggestions for using garden archeology in the Iran, based on challenges and opportunities, have been recommended.

Keywords: Historical Gardens, Archaeobotany, Garden Restoration, Modeling

* Assistant Professor, Architecture and Urban Development Department, Art University of Shiraz, Fars, Iran.